

تأملی در باب تورم کشور و استان اصفهان

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا
وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا
آیه ۵ سوره نساء



- نام پژوهش: تأملی در باب تورم کشور و استان اصفهان
- تهیه شده: مرکز پژوهش و بررسی های اقتصادی
- انتشارات: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان
- تاریخ انتشار: اسفندماه ۱۴۰۲
- صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان



اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی
اصفهان
ISFAHAN CHAMBER OF COMMERCE
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

تأملی در باب تورم کشور و استان اصفهان

مجری:

مرکز پژوهش و بررسی‌های اقتصادی

اسفندماه ۱۴۰۲

نام پژوهش: تاملی در باب تورم کشور و استان اصفهان
مجری پژوهش: مرکز پژوهش و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی
اصفهان

انتشارات: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان

تاریخ انتشار: اسفندماه ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	خطای ترکیب و تحلیل تورم
۲	روش تحلیل علمی تورم از منظر علم اقتصاد کلان
۴	بخش اول: نظریات تبیین کننده ی علل تورم
۴	نظریه مقداری پول یا نظریه پولی تورم
۶	کاهش قدرت خرید پول ملی، نقض قرارداد اجتماعی و بی عدالتی از منظر اقتصاد اسلامی
۸	مقایسه شرایط تامین مالی بانکی در استان های مختلف کشور
۱۲	بررسی تاثیرات تسهیلات تکلیفی بر ناترازی سیستم بانکی به عنوان یکی از منابع رشد نقدینگی
۱۲	نظریه تورم فشار تقاضا
۱۴	نظریه تورم ناشی از فشار هزینه
۱۵	چگونه دستورالعمل فعلی رفع تعهد ارزی باعث تورم می شود؟
۱۸	لطمات شیوه ی فعلی رفع تعهدات ارزی به صادرات صنعت شیر خشک و صنایع پایین دستی
۱۹	فشار هزینه ناشی از فضای نامناسب کسب و کار
۲۱	شرایط امنیت سرمایه گذاری در استان اصفهان در دی ماه ۱۴۰۲
۲۵	سیاست گذاری حمایتی از بخش کشاورزی و دامپروری در کشورهای پیشرفته
۲۵	وظایف تصدی گری دولت ناشی از شکست مکانیسم بازار آزاد
۲۵	پیامدهای خارجی
۲۶	پیامد خارجی مثبت
۲۸	عمده روش های حمایت از بخش کشاورزی
۲۹	نظریه تورم انتظاری
۲۹	الگوی انتظارات تورمی تطبیقی
۲۹	الگوی انتظارات تورمی عقلایی
۳۰	پولی شدن کسری بودجه
۳۰	بخش دوم: بررسی تورم از منظر اقتصاددانان برجسته کشور
۳۶	بخش سوم: مکانیزم غلط تخصیص منابع و امکانات کشور
۳۹	بخش چهارم- مشکلات ارزی و تورم
۳۹	سرکوب نرخ ارز و برهم خوردن تخصیص فنی و اقتصادی منابع
۴۱	نظریه برابری قدرت خرید
۴۲	تورم وارداتی
	بخش پنجم- عوامل مؤثر بر تورم در بخش تولید و توزیع (ارتباط بین شاخص تورم مصرف کننده و شاخص تولید تورم تولید کننده)
۴۳	عوامل مؤثر بر شاخص تورم کالاهای مصرفی در بخش تولید

۴۵.....	بررسی آمار سری زمانی شاخص تورم مصرف کننده و تولید کننده در ایران
۴۶.....	تبعات تورم بر ناهنجاری های جامعه
۴۷.....	نتیجه گیری و توصیه های سیاستی
۴۸.....	منابع

فهرست جداول

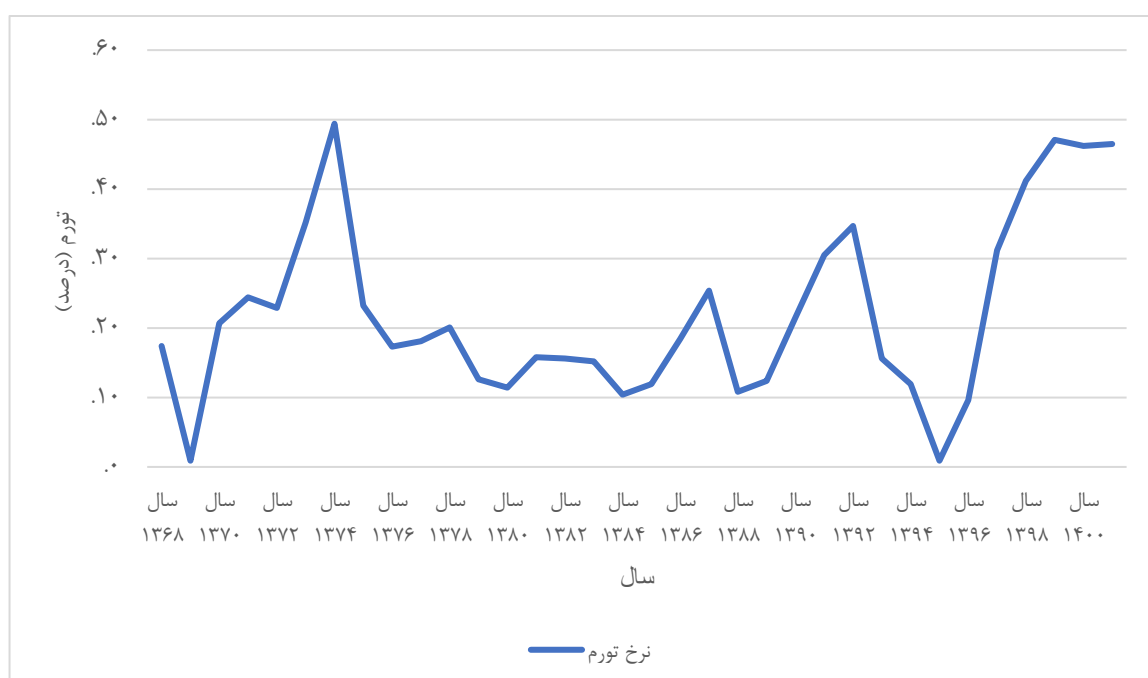
صفحه	جدول
۳	جدول (۱). عوامل مؤثر بر تقاضای کل
۵	جدول (۲). عوامل مؤثر بر تورم طبق نظریه پولی تورم
۸	جدول (۳). نسبت تسهیلات تخصیص یافته به سپرده های دریافت شده در استان های مختلف کشور در دی ماه ۱۴۰۲
۱۰	جدول (۴). رتبه شرایط تأمین مالی استان اصفهان در طول ماههای سال ۱۴۰۲
۱۳	جدول (۵). عوامل مؤثر بر تورم از منظر نظریه فشار تقاضا
۱۴	جدول (۶). عوامل مؤثر بر جا به جایی منحنی عرضه کل
۱۵	جدول (۷). دلایل تورم از نظریه فشار هزینه
۱۶	جدول (۸). مهم ترین موانع کسب و کار بیان شده توسط فعالان اقتصادی زیر مجموعه هریک از سه اتاق
۲۰	جدول (۹). شاخص استانی محیط کسب و کار (پاییز ۱۴۰۲)
۲۱	جدول (۱۰). رتبه بندی استانها از نظر شاخص ملی امنیت سرمایه گذاری در پایش تابستان ۱۴۰۲
۲۲	جدول (۱۱). مقایسه رتبه اصفهان با استان های کرمان، فارس و یزد در نماگرهای هفتگانه امنیت سرمایه گذاری
۲۳	جدول (۱۲). مؤلفه های نماگر «فرهنگ وفای به عهد و صداقت و درستی»
۳۰	جدول (۱۳). روش های تأمین مالی کسری بودجه دولت
۳۱	جدول (۱۴). بررسی علل تورم از منظر اقتصاددانان برجسته کشور
۳۷	جدول (۱۵). زیان تمام شده صادرات یک کیلوگرم هندوانه
۴۴	جدول (۱۶). عوامل مؤثر بر قیمت تولید کننده
۴۴	جدول (۱۷). عوامل تشکیل دهنده قیمت مصرف کننده
۴۵	جدول (۱۸). مهمترین علل تورم مصرف کننده در بخش تولید و راهکارهای کنترل تورم مصرفی در بخش تولید

فهرست نمودار

نمودار	صفحه
نمودار ۱. تغییرات شاخص تورم	۱
نمودار ۲. تاثیر سیاست های پولی و مالی انبساطی بر تورم	۳
نمودار ۳. نسبت تسهیلات به سپرده	۱۰
نمودار ۴. تأمین مالی استان اصفهان در طول ماه های سال ۱۴۰۲	۱۱
نمودار ۵. معنی عرضه کل و تقاضای کل در اقتصاد کلان	۱۳
نمودار ۶. تاثیر مشکلات تولید بر تورم	۱۵
نمودار ۷. شاخص استانی محیط کسب و کار (پاییز ۱۴۰۲)	۲۰
نمودار ۸. منافع و هزینه های مشهود و نامشهود بخش کشاورزی	۲۶
نمودار ۸. بررسی رابطه نرخ تورم و نرخ رشد ارز بین سال ۱۳۵۸ الی ۱۴۰۱	۴۳
نمودار ۹. شاخص های تورم کالا و خدمات مصرفی و تولیدی در فاصله زمانی بین سال های ۱۳۷۷ الی ۱۳۹۹	۴۵
نمودار ۱۰. پیامدهای تورم بلند مدت بر نسبت طلاق به ازدواج در فاصله سال های ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۱	۴۶

تورم یکی از مهم‌ترین مسائلی است که بر تصمیمات تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و سایر عاملین اقتصادی تأثیرگذار است. برنامه‌ریزی تولید و تأمین به شدت تحت تأثیر تورم است و در صورتی که تورم قابل پیش‌بینی نباشد امکان برنامه‌ریزی برای تأمین مواد اولیه و تولید محصولات را از بین می‌برد. لذا شایسته است سیاست‌گذاران اقتصادی اهمیت تورم و ریشه‌های آن را درک کرده و تلاش کنند از طریق زمینه‌سازی برای تورم تک رقمی ثبات اقتصادی به وجود آورند تا کارآفرینان و تولیدکنندگان بتوانند برای تولید و تجارت امکان برنامه‌ریزی پیدا کنند نقطه نمودار (۱) روند تغییرات شاخص تورم را در اقتصاد ایران در سال‌های پس از جنگ نشان می‌دهد.

نمودار ۱. تغییرات شاخص تورم



منبع: بانک مرکزی و یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که نمودار (۱) نشان می‌دهد نرخ تورم از سال ۱۳۶۸ (مقطع زمانی پایان جنگ) تا سال ۱۴۰۱ نوسان شدیدی داشته است و به واسطه آن عدم اطمینان و بی‌ثباتی زیادی به اقتصاد کلان وارد شده است که امکان برنامه‌ریزی برای تأمین، سرمایه‌گذاری و تولید را از کارآفرینان و تولیدکنندگان سلب کرده است.

خطای ترکیب و تحلیل تورم:

خطای ترکیب یکی از انواع مغالطه‌هایی است که بسیاری تحلیلگران ناخواسته مرتکب شده‌اند. به بیان ساده خطای ترکیبی عبارت است از: تعمیم احکام، قواعد، نظریات و یا قوانین سطح خرد به احکام و قواعد، نظریات

و قوانین سطح کلان. تا قبل از وقوع بحران بزرگ در ۱۹۳۰ در اقتصاد انگلستان نگاه مکتب نئوکلاسیک بر سیاست‌گذاری اقتصاد کلان حاکم بود. یعنی تأثیرات کلان سیاست اقتصادی از حاصل جمع تأثیر سیاست‌های دولت بر تک‌تک عوامل خرد اقتصادی (تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان) سنجیده می‌شد. به‌طور مثال در هنگام بررسی عوامل مؤثر بر تورم، عوامل مؤثر بر تک‌تک بازارهای مسکن، کار، مرغ، نان، گوشت و غیره مورد ارزیابی قرار می‌گرفت.

وقوع بحران اقتصادی ۱۹۳۰ ناکارآمدی رویکرد مکتب نئوکلاسیک در سیاست‌گذاری را نشان داد. در واقع روش نئوکلاسیک که مبتنی بر تحلیل اجزای تشکیل‌دهنده پدیده‌های اقتصادی بود با خطای مغالطه ترکیب همراه بود که بخش قابل‌توجهی از علل وقوع پدیده‌های اقتصادی را نادیده می‌گرفت.

در تحلیل تورم نیز باید به این نکته توجه داشت که تورم به عنوان متغیر اقتصاد کلانی دارای هویت و شخصیتی مستقل از حاصل جمع قیمت کالاها و خدمات مصرفی مختلف است و تحت تأثیر سیاست‌های پولی، مالی، ارزی دولت‌ها و سایر متغیرهای اقتصادی کلان تعیین می‌شود. پس نگاه علمی دولت به تورم نباید بر اجزاء تشکیل‌دهنده آن حاکم باشد بلکه باید بر کنش متقابل و نظامند متغیرهای اقتصاد کلانی متمرکز شود که بر تورم تأثیر گذارند.

بنابه برخی برآوردها، نهادهای دولتی و شبه دولتی سهمی بالغ بر ۸۰٪ از اقتصاد ایران را به خود اختصاص می‌دهند. بنابراین، دولت بزرگ‌ترین بازیگر اقتصاد ایران است و علاوه بر سیاست‌های دولت، رفتار دولت هم بر تورم تأثیرگذار است، زیرا به شدت بر کیفیت فضای کسب و کار، امنیت سرمایه‌گذاری، فرار سرمایه و در نتیجه تولید مؤثر است.

روش تحلیل علمی تورم از منظر علم اقتصاد کلان

از منظر علم اقتصاد کلان تورم پیامد یک عدم تعادل در اقتصاد هر کشوری است. هنگامی که تقاضای کل از عرضه کل در اقتصاد بیشتر می‌شود سطح عمومی قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند و تورم شکل می‌گیرد. همچنین هنگامی که تقاضای کل از عرضه کل کمتر می‌شود، سطح عمومی قیمت‌ها کاهش پیدا می‌کند که باعث کاهش تورم می‌شود. توضیحات فوق در علم اقتصاد برای اولین بار توسط والراس در قالب یک معادله دیفرانسیلی به صورت زیر بیان شد:

$$\frac{dP}{dt} = \alpha (Q_t^{AD} - Q_t^{AS}) \quad (1)$$

در معادله دیفرانسیلی فوق P بیانگر سطح عمومی قیمت‌ها، t متغیر زمان، α پارامتر تعدیل، Q_t^{AD} میزان تقاضای کل در زمان t و Q_t^{AS} میزان عرضه کل در زمان t می‌باشد. معادله والراس نشان می‌دهد اگر تقاضای

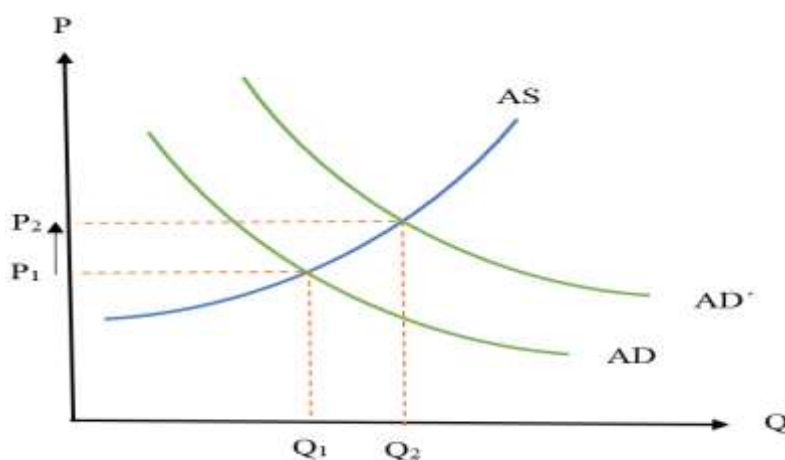
کل بیشتر از عرضه کل (تولید کل) باشد. تورم افزایش پیدا می‌کند. این معادله از آن جهت اساسی است که مبنای تحلیل کلیه نظرات تبیین کننده تورم است.

جدول (۱). عوامل مؤثر بر تقاضای کل	
ردیف	شرح
۱	کاهش نرخ بهره
۲	افزایش حجم پول
۳	افزایش مخارج دولتی
۴	کاهش مالیات

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۱) عواملی که موجب افزایش تقاضای کلی می‌شوند را به تصویر کشیده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود کاهش نرخ بهره و افزایش حجم پول (به عنوان سیاست‌های پولی انبساطی) باعث افزایش تقاضای کل و در نتیجه تورم می‌شوند. نمودار (۲) تأثیر سیاست‌های پولی و مالی انبساطی را بر افزایش تقاضای کل از AD به AD' به تصویر کشیده است. که باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (P) که همان تورم است.

نمودار ۲. تأثیر سیاست‌های پولی و مالی انبساطی بر تورم



منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد سیاست‌های مالی انبساطی (مانند کاهش مالیات و افزایش مخارج دولتی) نیز باعث افزایش تقاضا (از AD به AD') می‌شود که افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (P) و تورم را به دنبال دارد. در ادامه نظریات تورم مورد بحث قرار خواهند گرفت. هنگام مطالعه این نظریات باید چهارچوب عرضه-تقاضای کل که در این قسمت بحث شد در نظر گرفته شود.

در ادامه و در بخش اول، به مهم‌ترین نظریات تشریح کننده علل تورم پرداخته خواهد شد در بخش دوم تورم از منظر برخی اقتصاددانان برجسته کشور مورد بررسی و مرور قرار خواهد گرفت. در بخش سوم، به اثرات

مخرب قیمت گذاری دستوری بر ائتلاف منابع و ایجاد تورم در اقتصاد ایران پرداخته خواهد شد. سپس در بخش چهارم مارپیچ تورم و نرخ ارز در اقتصاد ایران تبیین خواهد شد. سپس در بخش پنجم ارتباط شاخص تورم مصرف کننده و شاخص تورم تولید کننده بحث خواهد شد. در انتها جمع بندی و توصیه های سیاسی ارائه خواهد شد.

بخش اول: نظریات تبیین کننده ی علل تورم

تورم که افزایش مداوم سطح عمومی قیمت ها یا کاهش مستمر قدرت خرید پول است از جمله حادترین مشکلات اقتصادی به شمار می رود در دهه ۱۹۷۰ و با پیدایش فشارهای تورمی شدید تثبیت قیمت ها به عنوان هدف اساسی سیاست های اقتصادی مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت. تلاش کشورهای در حال توسعه طی دهه های گذشته برای دستیابی به نرخ های رشد بالاتر عموماً توأم با نرخ تورم بالا بود از دهه ۱۹۹۰ به این سوی، به نظر می رسد پویایی تورم در سطح جهانی دستخوش تغییر شده است. این تحول به کشورهای پیشرفته محدود نشده است در حالی که تورم بالا ویژگی مشترک بسیاری از اقتصادهای در حال، توسعه به ویژه در آمریکای، لاتین تا اوایل دهه ۹۰ میلادی بود امروزه بیشتر این کشورها به تورم های تک رقمی دست یافته اند از سوی دیگر پژوهش های انجام شده درباره اقتصادهای توسعه یافته و کشورهای در حال، توسعه نشان می دهد که در سال های اخیر به رغم افزایش قیمت جهانی مواد اولیه از قبیل نفت و فولاد و اتخاذ سیاست های پولی انبساطی در بیشتر کشورها سطح قیمت ها در این کشورها رشد اندک و با ثباتی را تجربه کرده و نرخ تورم ارقامی کمتر از پیش بینی ها را به خود می بیند. (طیب نیا و زندیه ۱۳۸۸). در ادامه به بررسی برخی نظریات تورم خواهیم پرداخت.

نظریه مقداری پول یا نظریه پولی تورم

نظریه پولی تورم مکانیزم ایجاد تورم را با در نظر گرفتن دو بخش هر تولید و بخش پولی اقتصاد توضیح می دهد. برای درک بهتر این نظریه لازم است ابتدا متغیرهای حجم پول در گردش، سرعت گردش پول، شاخص قیمت ها و تولید ناخالص داخلی (GDP) را در چارچوب رابطه ی مقداری پول که توسط رابطه ی شماره (۲) نشان داده شده است به شرح معرفی می نماییم:

$$M \cdot V = P \cdot Y \quad (۲)$$

که در آن:

M: حجم پول در گردش

V : سرعت گردش پول یا سرعت گردش درآمدی پول که متوسط دفعات دست به دست شدن پول است.

P : شاخص قیمت‌ها

$GNP = Y$ حقیقی

مثلاً $V=10$ نشان می‌دهد به‌طور متوسط هر واحد پول در اقتصاد ۱۰ بار دست به دست شده است که برای انجام داد و ستدها و مبادلات است.

$M. V$: کل پول‌هایی که در طول یک دوره برای انجام مبادلات دست به دست شده است. این رابطه در ابتدا به صورت مقابل مطرح می‌شد:

$$M. V = P. T \quad (3)$$

P : ارزش (قیمت) متوسط مبادلات

T : تعداد مبادلات در یک اقتصاد

$P. T$: ارزش کل داد و ستدها و مبادلات در اقتصاد است.

با معرفی شاخص قیمت‌ها چون بین $P. T$ و $P. Y$ یک رابطه تنگاتنگ وجود دارد، آن را به صورت $M. V = P. Y$ نوشتند.

اگر دو فرض زیر به معادله مبادله ($M. V = P. Y$) اضافه شود، نظریه ساده مقداری پول حاصل می‌شود:

۱- تولید حقیقی در اشتغال کامل بوده و ثابت می‌باشد.

۲- سرعت گردش پول ثابت است.

رابطه (۲) چکیده‌ی نظریه پولی تورم را به زبان ساده نشان می‌دهد که در جدول شماره (۲) به طور خلاصه بیان شده است:

جدول (۲). عوامل مؤثر بر تورم طبق نظریه پولی تورم		
ردیف	شرح	مقدار در دهه منتهی ۱۴۰۰
۱	با فرض ثبات سایر عوامل نرخ رشد تولید ملی باعث کاهش تورم می‌شود	صفر
۲	با فرض ثبات سایر عوامل افزایش حجم پول (نقدینگی) باعث افزایش تورم می‌شود.	رشد نقدینگی ۲۶/۴ درصد
۳	با فرض ثبات سایر عوامل افزایش سرعت گردش پول باعث افزایش تورم می‌شود.	
منبع: یافته‌های پژوهش		

بنابراین خواهیم داشت $MV=P \cdot y$ یعنی بین M و P رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و به هر نسبت که M افزایش یابد P نیز افزایش می‌یابد. مثلاً دو برابر شدن M باعث دو برابر شدن P می‌شود. نظریه مقداری پول در شکل ساده آن به زبان نرخ رشد برابر است با:

$$\frac{dM}{M} + \frac{dV}{V} = \frac{dp}{p} + \frac{dy}{y} \Rightarrow \dot{p} = \dot{M} + \dot{V} - \dot{y} \quad (4)$$

که $\dot{M}$ نرخ رشد حجم پول (نقدینگی)، $\dot{V}$ نرخ رشد سرعت گردش پول و $\dot{y}$ نرخ رشد تولید ملی است.

از آنجایی که متوسط رشد درآمد ملی در دهه منتهی به سال ۱۴۰۰ تقریباً صفر بود، با کمی اغماض می‌توان گفت تورم مستقیماً تحت تأثیر رشد حجم پول (نقدینگی) بوده است و درمان تورم مستلزم انضباط پولی و مدیریت نظام بانکی است. به عبارت دقیق‌تر ضعف بانک مرکزی در حراست از پول ملی و ارزش آن و سوء مدیریت نظام بانکی از عوامل اصلی تورم هستند.

نتیجه دیگری که از نظریه پولی تورم می‌توان گرفت این است که سیاست‌گذار در خلق پول و رشد نقدینگی حتماً باید به میزان رشد تولید ملی توجه کند. به بیان دیگر، خلق پول و رشد نقدینگی باید متناسب با رشد معاملات، مبادلات و در یک کلام تولید ملی باشد. پس از بیان نظریه‌ی پولی تورم حال بحث از کاهش قدرت خرید پول ملی خالی از لطف نیست.

کاهش قدرت خرید پول ملی، نقض قرارداد اجتماعی و بی عدالتی از منظر اقتصاد اسلامی

شکل‌گیری نظام بانکی به زمانی باز می‌گردد که صرافانی که طلا و نقره مردم را به امانت می‌پذیرفتند متوجه شدند همه مردم در سررسید توافق شده برای دریافت طلا و نقره خود مراجعه نمی‌کنند و احساس کردند همواره درصد معینی طلا و نقره نزد آنان موجود است. بر همین اساس تصمیم گرفتند این درصد را به دیگران وام دهند و بهره دریافت کنند. کسانی که طلا و نقره خود را به صرافان می‌سپردند در مقابل یک رسید کاغذی دریافت می‌کردند. بعد از گذشت زمانی صاحبان رسیدهای کاغذی متوجه شدند ارزش رسیدهایشان مدام رو به کاهش است و به این ترتیب نظام پولی مبتنی بر طلا و نقره رفته رفته دچار فروپاشی شد زیرا مقبولیت و اعتماد عمومی را به مرور از دست داد. اعتماد عمومی نسبت به یک واسطه مبادله یا پول رایج به قدرت خرید آن بستگی دارد.

قدرت خرید هر پول رایج به صورت میزان کالاها و خدماتی که یک واحد از آن پول رایج می‌تواند خریداری کند تعریف می‌شود. به زبان ساده اگر یک ریال بتواند ۲ کیلوگرم و یک یورو بتواند یک کیلوگرم پرتقال خریداری کند آنگاه گفته می‌شود قدرت خرید ریال از قدرت یورو بیشتر است. قدرت خرید پول در گرو فراوانی آن پول است؛ به این معنا که هرچه حجم پول و نقدینگی در کشوری به نسبت کالاها و خدمات تولید شده در

آن کشور بیشتر باشد، قدرت خرید پول کمتر خواهد بود. لذا خلق پول یکی از حساس‌ترین امور در مدیریت اقتصادی بوده که دارای اثرات بسیار گسترده‌ای است و خلق پول افسارگسیخته، می‌تواند قدرت خرید همه عاملان اقتصادی اعم از خانوارها، بنگاه‌های تولیدی و حتی سرمایه‌گذاران را کاهش دهد؛ بنابراین حفاظت از قدرت خرید پول ملی به معنای حفاظت از امنیت روانی و مالی کلیه آحاد ملت است و اهمیت آن کمتر از اهمیت حراست مرزهای ملی نیست. برخلاف تصور غالب، کاهش تورم لزوماً باعث افزایش قدرت خرید پولی که مردم توسط آن به مبادله می‌پردازند، نمی‌شود. کاهش تورم (یا همان کاهش رشد قیمت‌ها) تنها در صورتی باعث افزایش قدرت خرید پول ملی می‌شود که رشد درآمد ملی بیشتر از رشد قیمت‌ها باشد. در غیر این صورت کاهش تورم باعث افزایش قدرت خرید پول ملی نمی‌شود. از همین‌جا لزوم توجه هم‌زمان به رشد تولید ملی در کنار کنترل تورم مشخص می‌شود.

برخی دولت‌ها به کنترل تورم با اولویت بیشتری نگاه می‌کنند و نسبت به رشد درآمد ملی توجهی با اولویت کمتر دارند. چنین هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری نتیجه‌ای جز کاهش مداوم قدرت خرید پول ملی نخواهد داشت. بررسی آمار نشان می‌دهد در طول ۳۳ سال (۱۳۶۸-۱۴۰۰) متوسط رشد نقدینگی در کشور حدود ۲۸٪ بوده است؛ این رشد نقدینگی در حالی اتفاق افتاده که در همین مدت متوسط رشد درآمد ناخالص ملی حدود ۳.۵٪ بوده است.

با صرف‌نظر از سایر عوامل تأثیرگذار این قدرت خرید «پول ملی» به شدت کاهش یافته است. یعنی نه تنها از قدرت خرید مردم پاسداری نشده بلکه به قدرت خرید آن‌ها تجاوز شده است. **همان‌گونه که شهید مرتضی مطهری به درستی می‌نویسد: «ارزش پول در سلسله معلولات مبادله است برخلاف ارزش کالاها که در سلسله علل مبادله‌هاست».** این به آن معناست که نظام پولی و بانکی باید در خدمت بخش واقعی و تولید اقتصاد باشد نه اینکه خود نظام پولی از طریق کاهش قدرت خرید عاملان اقتصادی فعالیت‌های بخش واقعی اقتصاد را مختل کند. **پول یک قرارداد اجتماعی بین دولت، نظام بانکی و آحاد ملت شامل خانوارها، بنگاه‌ها، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران است.**

خلق پول افسارگسیخته بدون قاعده توسط نظام پولی کشور، باعث کاهش شدید قدرت پول ملی شده است. در صورتی که این موضوع متوقف نشود و قدرت خرید پول ملی احیا نشود، ادامه نقض این قرارداد توسط دولت موجب نقض آن توسط آحاد ملت خواهد شد؛ زیرا این رفتار نظام بانکی نوعی سوء استفاده از اعتماد مردم و به نوعی کاهش ارزش واقعی دارایی نقدی آنان قلمداد می‌شود (صادقی همدانی، افق فردا^۱ ۱۳۹۶).

^۱ - صادقی همدانی، علی (۱۳۹۶). کاهش قدرت خرید پول ملی، نقض قرارداد اجتماعی و بی‌عدالتی؛ ماهنامه اقتصادی، اجتماعی افق فردا

نوع نگرش سیاست‌گذاران پولی - بانکی، دولتمردان و حتی بسیاری نظریه پردازان به ماهیت پول نیز در کاهش قدرت خرید پول ملی سهیم بوده است. از نظر بسیاری از آنان پول یک «کالای عمومی» است و با فرض اینکه دولت و نظام حاکمیت صالح هستند، زمینه مناسبی برای سیاست‌گذاری پولی و تخصیص اموال ملی برای آن‌ها فراهم شده است. جایگزین تخصیص بر اساس مکانیزم بازار شده است. چنین بینشی باعث شده دولت‌ها در عمل خود را آن‌چنان در قید رعایت انضباط مالی حس نکنند و همواره از طریق خلق پول، بی‌انضباطی مالی خود را پوشش دهند.

نکته‌ای که دولت و بانک مرکزی از آن غافل بوده‌اند: آن است که پول نه یک کالای عمومی بلکه یک «کالای مشترک» بین آحاد مردم و دولت است پس باید هم دولت هم مردم در تولید و بهره‌برداری از آن مشارکت داشته باشند؛ همان‌گونه که همگان باید در تحقق عدالت اجتماعی کوشش داشته باشند. پس خلق پول توسط بانک مرکزی باید با توجه توأم به مسائل مصالح مد نظر دولت و نیز مصالح مردم که مهم‌ترین آن حفظ قدرت خرید آنان است، انجام شود، در غیر این صورت بانک مرکزی و دولت **مصدق آیه (۵) سوره مبارکه نساء خواهند بود که خداوند می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» یعنی «و اموالی را که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به سفیهان ندهید».** مطابق آیه شریفه **فدا کردن قدرت خرید مردم برای مصالح دولتی که انضباط مالی ندارند، جایز نیست.** لذا دولت‌ها و بانک مرکزی به‌هیچ‌وجه مجاز نیستند بدون توجه به عقاید بخش واقعی اقتصاد و صرفاً بر اساس مصلحت خود با بی‌تفاوتی به قدرت خرید مردم، پول و نقدینگی خلق کنند و باید در خصوص رشد نامتناسب نقدینگی با رشد درآمد ملی در محضر عدل الهی پاسخگو باشد (صادقی همدانی^۱، ۱۳۹۷).

مقایسه شرایط تامین مالی بانکی در استان‌های مختلف کشور

باتوجه به وصول اعتراضات و گله‌مندی‌های فراوان از فعالان اقتصادی اتاق بازرگانی اصفهان پیرامون عدم اعطای تسهیلات، در این قسمت تلاش می‌کنیم شرایط تامین مالی تولید در استان را با استفاده از شاخص نسبت تسهیلات به سپرده‌ها مورد ارزیابی قرار دهیم:

جدول (۳). نسبت تسهیلات تخصیص یافته به سپرده‌های دریافت شده در استان‌های مختلف کشور در دی‌ماه ۱۴۰۲					
رتبه	نام استان	تسهیلات (جاری و غیرجاری)	سپرده‌ها پس از کسر سپرده قانونی	سپرده‌ها (۲)	تسهیلات/سپرده
۱	خراسان شمالی	۳۹۳۸۱۱،۹۱	۲۶۶۲۲۹،۴۹	۲۹۹۶۰۴،۴۴	۱،۳۱۴
۲	کهگیلویه و بویراحمد	۲۸۵۸۱۹،۴۴	۲۲۰۶۸۷،۹۸	۲۴۸۲۷۵،۲۴	۱،۱۵۱
۳	ایلام	۲۹۴۳۶۷،۳۵	۲۵۰۶۳۴،۱۸	۲۸۱۹۷۰،۹۶	۱،۰۴۴

^۱ - صادقی همدانی، علی (۱۳۹۷) عواقب سیاست‌های مداخله‌ای در بازار ارز، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۴۸۶

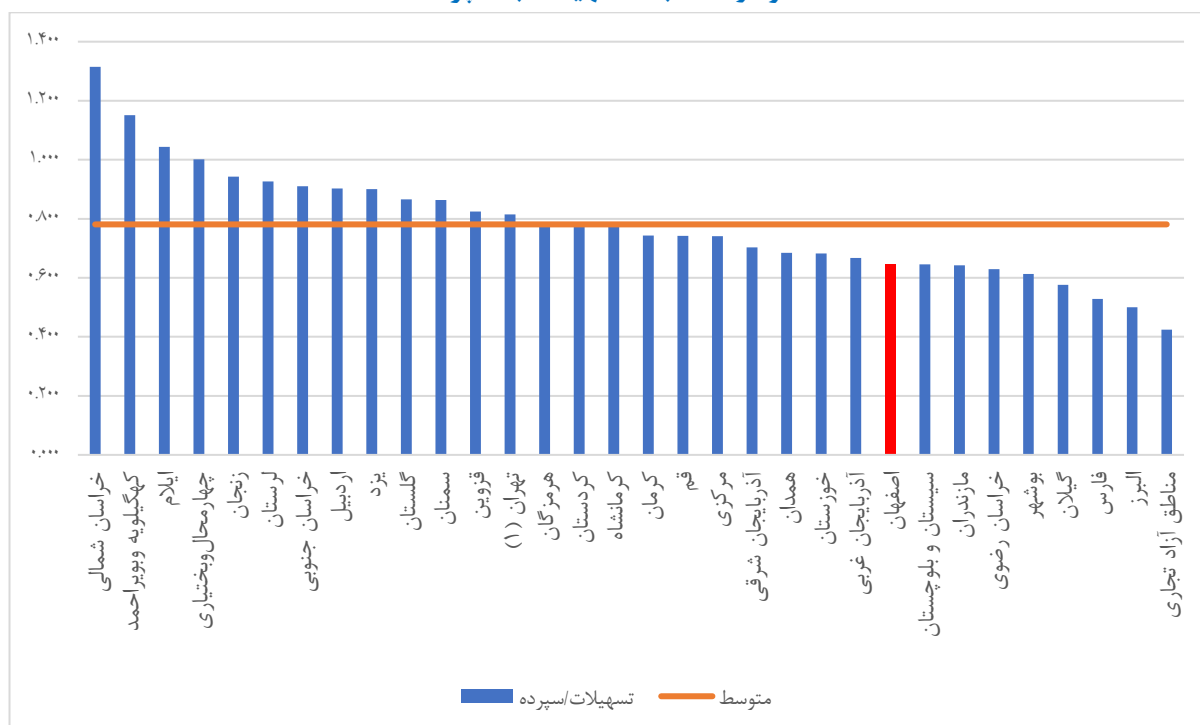
۴	چهارمحال و بختیاری	۵۴۶۸۶۳,۴۵	۴۸۵۱۸۷,۵۱	۵۴۶۲۷۳,۱۵	۱,۰۰۱
۵	زنجان	۶۰۱۷۸۵	۵۶۷۴۵۲,۲	۶۳۸۶۵۴,۱۱	۰,۹۴۲
۶	لرستان	۵۹۱۳۲۰,۵۲	۵۶۶۸۹۵,۲۱	۶۳۸۰۷۷,۸	۰,۹۲۷
۷	خراسان جنوبی	۳۶۸۴۱۳,۳	۳۵۹۹۹۰,۰۳	۴۰۴۹۸۴,۸۶	۰,۹۱
۸	اردبیل	۵۰۳۰۳۵,۵۸	۴۹۴۸۱۹,۶۹	۵۵۷۲۰۰,۲	۰,۹۰۳
۹	یزد	۹۶۷۲۰۸,۴۹	۹۵۳۲۹۱,۶۲	۱۰۷۳۷۹۵,۳۸	۰,۹۰۱
۱۰	گلستان	۶۴۴۳۰۹,۱۹	۶۶۰۶۳۸,۷۵	۷۴۳۹۱۵,۹	۰,۸۶۶
۱۱	سمنان	۵۲۵۸۶۵,۷۹	۵۴۲۰۵۰,۷۱	۶۰۸۸۳۱,۹۳	۰,۸۶۴
۱۲	قزوین	۶۶۶۲۸۷,۲۹	۷۱۸۴۷۷,۹۱	۸۰۸۶۰۰,۷۲	۰,۸۲۴
۱۳	تهران (۱)	۳۸۸۸۸۵۴۵,۲۱	۴۳۶۷۸۱۰۲,۲۱	۴۷۷۴۵۵۶۳,۱۴	۰,۸۱۴
۱۴	هرمزگان	۷۵۵۴۶۳,۷۶	۸۵۳۸۲۷,۸	۹۵۹۰۳۳,۸۸	۰,۷۸۸
۱۵	کردستان	۴۴۸۰۰۳,۸۶	۵۰۷۸۹۷,۹۱	۵۷۰۸۷۰,۵۶	۰,۷۸۵
۱۶	کرمانشاه	۶۷۰۱۶۲,۸۶	۷۶۰۸۲۴,۵۳	۸۵۵۵۲۶,۲۸	۰,۷۸۳
۱۷	کرمان	۱۳۹۲۷۱۳,۷۲	۱۶۶۹۳۹۳,۳۲	۱۸۷۵۳۰۸,۵۷	۰,۷۴۳
۱۸	قم	۶۴۱۹۳۱,۴۲	۷۶۸۹۵۲,۰۷	۸۶۴۶۶۹,۲۹	۰,۷۴۲
۱۹	مرکزی	۷۱۸۸۶۳,۴۷	۸۶۰۹۶۶,۳۳	۹۶۹۸۳۷,۰۱	۰,۷۴۱
۲۰	آذربایجان شرقی	۱۶۵۷۶۶۵,۰۱	۲۰۹۲۷۲۹,۵	۲۳۵۷۲۸۴,۰۸	۰,۷۰۳
۲۱	همدان	۵۶۴۵۷۱,۹۱	۷۳۲۹۰۱,۴۱	۸۲۴۷۸۸,۱۵	۰,۶۸۵
۲۲	خوزستان	۱۹۶۰۹۶۶,۱۴	۲۵۵۰۷۴۵,۱۴	۲۸۷۴۱۰۰,۷۹	۰,۶۸۲
۲۳	آذربایجان غربی	۸۲۱۱۷۴,۲۳	۱۰۹۳۱۳۷,۵۶	۱۲۳۰۸۲۳,۰۵	۰,۶۶۷
۲۴	اصفهان	۲۸۱۲۳۸۲,۷	۳۸۶۵۴۱۹,۴۴	۴۳۵۴۰۸۱,۹۲	۰,۶۴۶
۲۵	سیستان و بلوچستان	۴۶۳۷۵۸,۷۶	۶۳۹۱۱۸,۴۶	۷۱۸۴۳۹,۵۴	۰,۶۴۶
۲۶	مازندران	۱۴۹۵۸۵۹,۳۸	۲۰۶۴۸۶۴,۲۹	۲۳۲۸۱۴۸,۸۵	۰,۶۴۳
۲۷	خراسان رضوی	۲۲۹۴۰۱۸,۳۷	۳۲۳۶۷۸۱,۲۴	۳۶۴۶۵۷۲,۴۹	۰,۶۲۹
۲۸	بوشهر	۷۴۸۸۵۱,۰۹	۱۰۸۶۷۶۱,۲۳	۱۲۲۱۹۶۵,۴۵	۰,۶۱۳
۲۹	گیلان	۸۹۵۲۸۷,۷۵	۱۳۷۸۰۷۱,۶۶	۱۵۵۲۷۰۳,۸	۰,۵۷۷
۳۰	فارس	۱۸۱۹۶۹۹,۰۳	۳۰۵۵۱۵۵,۳۴	۳۴۴۲۲۹۷,۹۸	۰,۵۲۹
۳۱	البرز	۹۱۸۱۸۸,۱۸	۱۶۲۸۷۲۲,۲۳	۱۸۳۶۵۹۳,۷۷	۰,۵
۳۲	مناطق آزاد تجاری	۳۱۹۰۴۲,۵۴	۶۸۱۴۶۱,۵۴	۷۵۱۷۶۴,۳	۰,۴۲۴

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (<https://www.cbi.ir/category/6068.aspx>)

بررسی آمار منتشر شده توسط بانک مرکزی از نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌های دریافتی سیستم بانکی استان‌های کشور در دی ماه نشان می‌دهد متأسفانه استان اصفهان از بین ۳۲ استان کشور رتبه‌ای بهتر از ۲۴

کسب نکرده است. این رتبه نامناسب (که شرایط نامناسب تأمین مالی را نشان می‌دهد) همبستگی خیلی بالایی با رتبه نامناسب امنیت سرمایه‌گذاری استان دارد. در صورتی که نسبت تسهیلات به سپرده‌های استان از ۶۴/۵۹ مانند استان همسایه چهارمحال و بختیاری به سطح ۱۰۰٪ برسد رتبه استان برای نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌های دریافتی به جایگاه ۵ ام کشور خواهد رسید. بنابراین، فرصت بهبود بسیار زیادی در سیستم بانکی وجود دارد و اعطای تسهیلات بانکی در استان اصفهان می‌تواند انگیزه‌ها برای سرمایه‌گذاری و تولید را بهبود بخشد. همچنین، موجب می‌شود احساس عمل به وعده‌های مسئولان دولتی و استانی را نزد فعالان اقتصادی، بخش خصوصی و آحاد مختلف مردم بهبود ببخشد که منتج به بهبود شاخص امنیت سرمایه‌گذاری خواهد شد.

نمودار ۳ نسبت تسهیلات به سپرده



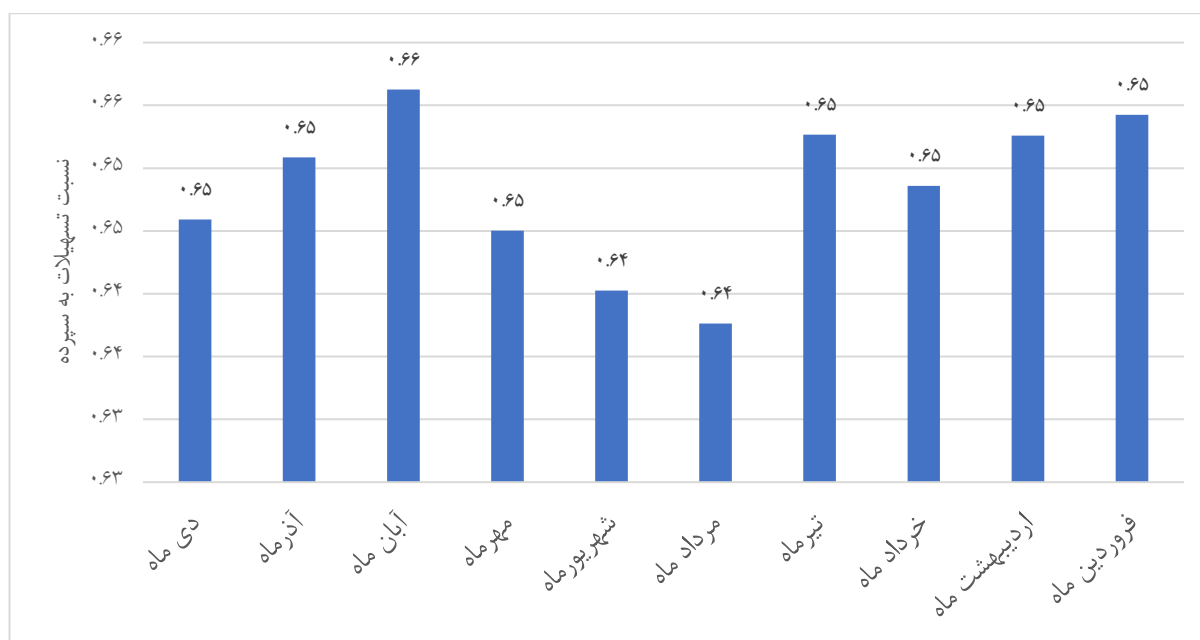
منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
همانگونه که نمودار (۳) نشان می‌دهد اصفهان در دریافت تسهیلات از شرایطی به مراتب بدتر از متوسط استان‌های کشور برخوردار است. در ادامه، رتبه شرایط تأمین مالی استان اصفهان را در طول ماه‌های سال ۱۴۰۲ مرور می‌کنیم:

جدول (۴). رتبه شرایط تأمین مالی استان اصفهان در طول ماه‌های سال ۱۴۰۲					
رتبه	نام استان	تسهیلات (جاری و غیرجاری)	سپرده‌ها پس از کسر سپرده قانونی	سپرده‌ها (۲)	تسهیلات/سپرده
۲۴	دی ماه	۲۸۱۲۳۸۲٫۷	۳۸۶۵۴۱۹٫۴۴	۴۳۵۴۰۸۱٫۹۲	۰٫۶۵
۲۴	آذرماه	۲۷۹۷۰۶۸٫۴۸	۳۸۱۹۱۳۴٫۷۹	۴۲۹۷۴۶۶٫۰۳	۰٫۶۵

۰,۶۶	۴۱۹۴۳۸۱,۸۲	۳۷۳۲۲۴۵,۳۱	۲۷۵۲۵۶۹,۳۲	آبان ماه	۲۳
۰,۶۵	۴۰۷۳۶۸۵,۹۶	۳۶۲۶۱۳۵,۸۴	۲۶۲۷۵۸۳,۴۳	مهرماه	۲۲
۰,۶۴	۴۰۱۶۱۹۸,۵۸	۳۵۷۵۳۷۶,۹۹	۲۵۷۱۳۶۰,۳۲	شهریورماه	۲۲
۰,۶۴	۳۹۵۷۹۴۶,۱	۳۵۲۹۱۵۵,۰۸	۲۵۲۳۶۸۵,۴۴	مرداد ماه	۲۳
۰,۶۵	۳۸۳۷۴۲۸,۶۳	۳۴۱۸۹۱۵,۷۵	۲۵۰۴۵۷۰,۴۵	تیرماه	۲۳
۰,۶۵	۳۷۸۴۰۷۰,۷۵	۳۳۷۱۲۹۳,۲۲	۲۴۵۴۳۳۶,۶۲	خرداد ماه	۲۳
۰,۶۵	۳۶۹۴۰۸۸,۴۷	۳۲۹۲۴۹۴,۳۲	۲۴۱۰۶۹۸,۷۳	اردیبهشت ماه	۲۰
۰,۶۵	۳۶۷۲۲۳۳,۲	۳۲۶۱۶۳۲,۱	۲۴۰۲۵۲۷,۹۹	فروردین ماه	۲۱

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (<https://www.cbi.ir/category/6068.aspx>)

نمودار ۴ تأمین مالی استان اصفهان در طول ماه‌های سال ۱۴۰۲



منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همان‌گونه که جدول (۴) نشان می‌دهد متأسفانه رتبه اصفهان در نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌های دریافت شده در سطح شعب سیستم بانکی استان روند افزایشی داشته است. به عبارت دیگر جایگاه اصفهان در نسبت تسهیلات به سپرده‌ها نه تنها در طول ۱۴۰۲ بهبود پیدا نکرد بلکه تنزیل نیز پیدا کرد. این در حالی است که قوانین و قواعد بانک مرکزی در سراسر کشور به شکایکسانی لازم‌الاجرا بوده است. شرایط تأمین مالی برای سرمایه‌گذاری حداقل در ۲۳ استان کشور بهتر از استان اصفهان است و این پیام بسیار پر دافعه‌ای به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی مخابره می‌کند.

بدون تردید اگر شرایط تأمین مالی پروژه‌های کارآفرینی بهبود پیدا کند می‌توان نسبت به افزایش سرمایه‌گذاری و رشد تولید ناخالص استان امیدوار بود. استمرار روند ناامید کننده فعلی و بی‌توجهی به سو مدیریت بخش دولتی در سیاست‌گذاری پولی و مالی موجبات سقوط رتبه توسعه‌یافتگی اصفهان در سال‌های آتی را به دنبال داشت.

مقامات دولت استان باید توجه کنند اگر این شرایط نامساعد تأمین مالی بهبود پیدا نکند فرار سرمایه از استان اصفهان شتاب بیشتری خواهد گرفت و جذب سرمایه آسان نیست.

بررسی تأثیرات تسهیلات تکلیفی بر ناترازی سیستم بانکی به عنوان یکی از منابع رشد نقدینگی

نرخ بهره اسمی به عنوان ابزار سیاست‌گذاری پولی در اختیار بانک مرکزی می‌تواند منجر به رفع رکود و تورم و یا تعمیق آن‌ها شود. نرخ سود تسهیلات بانکی کوتاه مدت در ایران همان متغیری است که تحت عنوان نرخ بهره اسمی از آن یاد می‌شود.

یکی از موضوعاتی که همواره می‌بایست مورد توجه سیاست‌گذاران پولی و تصمیم سازان سرمایه‌گذاری قرار گیرد آن است که اگر نرخ بهره اسمی از نرخ تورم کمتر باشد افراد تمایل به نگهداری دارایی‌های نقدی نخواهند داشت و سرعت گردش پول افزایش پیدا خواهد کرد که با فرض ثبات سایر عوامل افزایش تورم را به دنبال خواهد داشت.

در دهه‌های اخیر سیستم بانکی عمدتاً با بخشنامه‌های تسهیلات تکلیفی مواجه بوده است که به موجب آن‌ها مکلف شده تسهیلات را با نرخ بهره کمتر از نرخ تورم در اختیار متقاضیان تسهیلات قرار بدهد.

بانک‌ها از یک طرف با تعهدات و هزینه‌هایی مواجه هستند که با نرخ تورم رشد می‌کنند و از طرف دیگر با جریان درآمدی مواجه هستند که رشد کمتری دارد (به دلیل تسهیلات تکلیفی). در نتیجه با زیان مواجه می‌شوند. یکی از مشکلات اقتصاد ایران در حال حاضر ناترازی سیستم بانکی به همین دلیل است.

در اغلب موارد ناترازی سیستم بانکی از محل استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی شده است. بانک مرکزی نیز بدهی بانک‌های تجاری را به عنوان یک دارایی و منبع پایه پولی تلقی کرده و به پشتوانه آن نقدینگی را افزایش داده است. افزایش نقدینگی از محل ناترازی بانک‌ها سهم قابل توجهی در تورم داشته است.

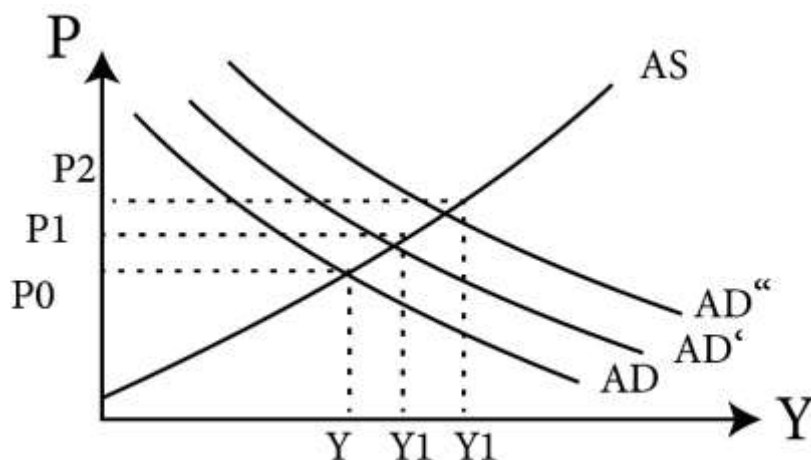
نظریه تورم فشار تقاضا

بر اساس معادله والراس در علم اقتصاد، افزایش قیمت‌های ریشه در مازاد تقاضا دارد.

$$\dot{p} = \alpha (Q_t^{AD} - Q_t^{AS}) \quad (5)$$

معادله والراس که در رابطه (۵) نشان داده شده است بیان می‌کند هر زمانی تقاضای کل در سطح جامعه برای کالا و خدمات از میزان عرضه کل کالا و خدمات بیشتر می‌شود. سطح عمومی قیمت‌ها نیز افزایش پیدا می‌کنند. این معادله مبنای نظریه تورم فشار تقاضاست.

نمودار (۵) معنی عرضه کل و تقاضای کل در اقتصاد کلان



نمودار (۵) معنی عرضه کل و تقاضای کل را در اقتصاد کلان به تصویر کشیده است. برای درک بهتر نمودار فوق لازم است به معادله تقاضای کل اشاره شود:

$$AD = C + I + G + X - M \quad (۶)$$

معادله (۶) متغیرهای مؤثر بر تقاضای کل را نشان می‌دهد که در آن M, X, G, I, C به ترتیب بیانگر مصرف جامعه، سرمایه‌گذاری کل جامعه، مخارج کل دولت، صادرات کل اقتصاد و واردات کل اقتصاد هستند. با فرض ثبات سایر عوامل، هر عاملی که باعث افزایش تقاضای کل شود باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود. به طور مثال، افزایش مصرف، مخارج دولتی و تقاضای سرمایه‌گذاری با فرض ثبات سایر عوامل، باعث ایجاد تقاضای کل و در نتیجه تورم می‌شوند. همانطوری که نمودار (۲) نشان می‌دهد افزایش مصرف، مخارج دولتی و تقاضای سرمایه‌گذاری باعث انتقال منحنی تقاضای کل به راست (از AD به AD' و AD'') می‌شود که سطح عمومی قیمت‌ها را متناظراً از سطح P_0 به سطوح P_1 و P_2 افزایش می‌دهد. جدول (۵) عواملی که باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود را به طور خلاصه به تصویر کشیده است.

جدول (۵). عوامل مؤثر بر تورم از منظر نظریه فشار تقاضا	
ردیف	شرح
۱	سیاست‌های مالی انبساطی: افزایش مخارج و هزینه‌های دولتی
۲	سیاست‌های پولی انبساطی افزایش حجم پول و کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی
۳	افزایش برونزای مصرف که در کوتاه مدت بعید به نظر می‌رشد زیرا عادات مصرفی مردم در کوتاه مدت تغییر نمی‌کند.
۴	افزایش برونزای تقاضای سرمایه‌گذاری
۵	افزایش عرضه پول باعث افزایش تقاضای کل و تورم می‌شود
منبع: یافته‌های پژوهش	

نظریه تورم ناشی از فشار هزینه

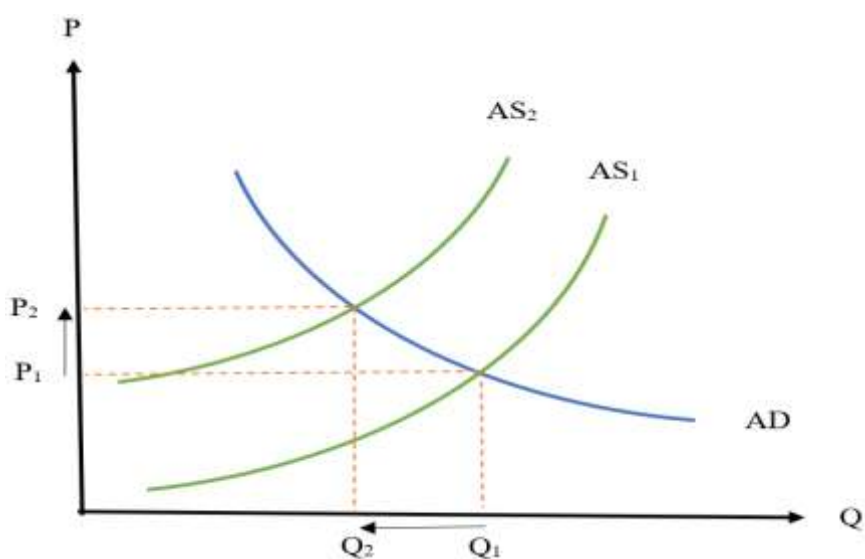
براساس این نظریه افزایش هزینه های تولید در اقتصاد باعث کاهش تولید جامعه و عرضه کل می شود کاهش عرضه براساس معادله والراس سبب افزایش سطح عمومی قیمت ها و در نتیجه تورم می شود. برای تحلیل دقیق مجدداً به نمودار (۶) مراجعه می کنیم.

در ادامه به عوامل مؤثر بر تولید و عرضه کل می پردازیم که در جدول (۶) به تصویر کشیده شده است:

جدول (۶). عوامل مؤثر بر جا به جایی منحنی عرضه کل	
ردیف	شرح
۱	کاهش عرضه نیروی کار مثلاً به دلیل افزایش دستمزد حقیقی نیروی کار
۲	تکنولوژی مستهلک
۳	کاهش موجودی سرمایه
۴	کاهش موجودی مواد اولیه مثلاً به دلیل افزایش قیمت مواد اولیه
۵	افزایش انحصارات یا قدرت انحصاری در تولیدی
۶	افزایش هزینه های مبادله ناشی از فضای نامساعد کسب و کار (سیاست گذاری های غلط دولت، مداخلات دولت در قیمت گذاری، تحریم های ظالمانه و امثالهم)
منبع: یافته های پژوهش.	

یکی دیگر از عواملی که باعث افزایش سطح عمومی قیمت ها (P) و شکل گیری تورم می شود کاهش عرضه کل است. نکته حائز اهمیت آن است که افزایش تولید کل در صورتی که باعث افزایش عرضه کل نشود نمی تواند باعث کاهش تورم شود. همان گونه که جدول (۶) نشان می دهد کاهش نیروی کار ماهر، تولید با استفاده از تکنولوژی های قدیمی، کاهش موجودی سرمایه و استهلاک آن، کاهش موجودی مواد اولیه و افزایش انحصارات همگی باعث کاهش تولید و عرضه کل (از AS_1 به AS_2) در اقتصاد می شوند. این وضعیت در نمودار (۶) به تصویر کشیده شده است:

نمودار ۶. تاثیر مشکلات تولید بر تورم



منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که نمودار (۶) نشان می‌دهد کاهش عرضه کل به هر دلیل ممکن از جمله دلایل مندرج در جدول (۷) باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم می‌شود.

یکی از عوامل مهمی که باعث کاهش عرضه کل می‌شود تحریم‌های ظالمانه است که از طریق افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل باعث افزایش بهای تمام شده تولید کالا و خدمات در کشور می‌شوند که از طریق کاهش عرضه کل باعث افزایش تورم می‌شود.

جدول (۷) دلایل تورم از نظریه فشار هزینه	
ردیف	دلایل
۱	افزایش قیمت مواد اولیه
۲	افزایش دستمزد نیروی کار
۳	افزایش هزینه‌های مبادله
۴	هزینه‌های تحریم‌ها
۵	شرایط نامساعد کسب و کار
۶	انحصارات در بازار مواد اولیه
منبع: یافته‌های پژوهش	

جدول (۷) دلایل تورم را از منظر نظریه فشار هزینه جمع بندی کرده است.

چگونه دستورالعمل رفع تعهد ارزی باعث تورم می‌شود؟

پایبندی به تعهدات قراردادی در کسب و کار از اهمیت بسیار زیادی در بازار و فضای کسب و کار برخوردار است. بدون تردید خدشه‌دار شدن اعتبار تجار و کارآفرینان هزینه‌های زیادی را برای آنان به وجود می‌آورد.

یکی از مواردی که در سال‌های اخیر اعتبار صادرکنندگان و کارآفرینان را نزد مشتریان خارجی خدشه‌دار کرده است دستورالعمل عجیب رفع تعهد ارزی است. به موجب این دستورالعمل کلیه صادرکنندگان مکلف هستند ارز حاصل از صادرات را به چرخه‌ی اقتصادی کشور بر گردانند. فعالان اقتصادی با بازگشت ارز به چرخه‌ی اقتصادی کشور نه تنها مشکلی ندارند بلکه برای توسعه کسب و کار خود تمایل دارند سرمایه خود را به کشور برگردانند.

اما مشکل کجاست؟

مشاهدات زیادی وجود دارند که نشان می‌دهد کارشناسان بخش دولتی قیمت محصول صادراتی را بسیار بیشتر از قیمت بازارهای صادراتی آن تعیین می‌کنند. همین مساله کارآفرینان را از صادرات ناامید کرده و رفع تعهد ارزی و صادرات را برای او زیان ده می‌نماید. در نتیجه بسیاری از صادرکنندگان و تولیدکنندگان فعالیت‌های مولد خود را تعطیل می‌کنند که باعث کاهش عرضه کل و در نتیجه تورم می‌شود. در ادامه در جدول (۸) مهم‌ترین موانع کسب و کار از منظر فعالان اقتصادی به طور خلاصه بیان می‌شود:

جدول (۸) مهم‌ترین موانع کسب و کار بیان شده توسط فعالان اقتصادی زیر مجموعه هریک از سه اتاق						
الویت مجموعه	۱	۲	۳	۴	۵	
کل	غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	بی ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار	رویه ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیت	دخالت‌های غیر منطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت‌ها در بازار	
	غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	بی ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار	رویه ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیت	دخالت‌های غیر منطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت‌ها در بازار	
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران	غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک‌ها	بی ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار	موانع در فرایندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب و کار در دستگاه‌های اجرایی	رویه ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیت	

رویه ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیت	موانع در فرایندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب و کار در دستگاه های اجرایی	بی ثباتی سیاست ها، قوانین و مقررات و رویه های اجرایی ناظر بر کسب و کار	دشواری تأمین مالی از بانک ها	غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	پاییز ۱۴۰۲	
رویه ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیت	تولید و عرضه نسبتاً آزاد کالاهای غیراستاندارد و تقلبی در بازار	بی ثباتی سیاست ها، قوانین و مقررات و رویه های اجرایی ناظر بر کسب و کار	غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک ها	تابستان ۱۴۰۲	اتاق تعاون
دخالت های غیر منطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت ها در بازار	رویه ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیت	بی ثباتی سیاست ها، قوانین و مقررات و رویه های اجرایی ناظر بر کسب و کار	غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک ها	پاییز ۱۴۰۲	
تولید و عرضه نسبتاً آزاد کالاهای غیر استاندارد و تقلبی در بازار	فساد و سو استفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه- های اجرایی	رویه ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیت	غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	دشواری تأمین مالی از بانک ها	تابستان ۱۴۰۲	اتاق اصناف
فساد و سو استفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه های اجرایی	تولید و عرضه نسبتاً آزاد کالاهای غیراستاندارد و تقلبی در بازار	رویه ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیت	دشواری تأمین مالی از بانک ها	غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	پاییز ۱۴۰۲	
منبع: مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی و پایش اتاق بازرگانی ایران						

همانگونه که جدول (۸) نشان می دهد صدور قوانین خلق الساعه مانند (بخشنامه های رفع تعهد ارزی)، فساد و رانت (مانند تخصیص ارز نیمایی به واردات) از مهم ترین مشکلات صادر کنندگان و تولیدکنندگان بوده است که بسیاری را وادار به تعطیلی بنگاه و پاره ای را مجبور به کاهش تولید کرده است.

لطامات شیوهی فعلی رفع تعهدات ارزی به صادرات صنعت شیر خشک و صنایع پایین دستی

ظرفیت تولید استان

روزانه ۶ هزار تن شیر خام در استان اصفهان توسط صنف گاوداران تولید می‌شود. در استان اصفهان بالغ بر ۱۱ شرکت به صورت تخصصی در تولید شیر خشک صنعتی مشغول به فعالیت می‌باشند. که با تولید ۴۰ هزار تن در سال حدودی نیمی از شیر خشک کشور را در استان اصفهان تولید می‌کنند که از این ۴۰ هزار تن، ۱۱ هزار تن آن به بازارهای منطقه‌ای صادرات می‌شود. صنعت تولید شیر خشک صنعتی از باارزش‌ترین صنایع موجود در استان اصفهان می‌باشد. به عبارتی دیگر با توجه به تعداد گاوداری‌های موجود در استان و به تبع آن وجود شیر در سطح تناژ بالا اگر این کارخانجات تولیدی مبادرت به تولید شیر خشک نکنند روزانه بالغ بر ۶ هزار تن شیر از دامداران از بین می‌رود یا مجبور می‌شدند طبق سنوات گذشته با ۳۰ درصد یا نهایت ۵۰ درصد بها تمام‌شده بفروشند ولی اکنون تمام شیر این دامداران به قیمت روز خریداری می‌شود.

همچنین می‌توان به تولید محصول آب پنیر نیز اشاره نمود که در سالیان گذشته آب پنیر به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های زیست محیطی بوده است ولی اکنون به واسطه توان فنی تولیدکنندگان انجمن شیر خشک صنعتی نه تنها آلودگی ایجاد نمی‌شود بلکه با آب پنیر، پودرهای پروتئینی تولید می‌شود که در ورزش-های قهرمانی کاربرد دارد.

نتایج آزمایشگاهی حاکی از آن هستند که معمولاً بطور متوسط ۸۸٪ شیر را آب تشکیل می‌دهد و تنها ۱۲٪ آن مواد مغذی دیگر هستند. از این ۱۲٪ نیز حدوداً ۳٪ چربی است. تولیدکنندگان شیر خشک صنعتی توانسته‌اند با بومی‌سازی دانش مواد مغذی را تفکیک و با هدف جلوگیری از فساد خشک نمایند. همچنین آب تفکیک شده شیر را پس از تسویه به چرخه تولید بر می‌گردانند.

مشکلات ایجادشده در صنعت تولید شیر خشک

در سالیان گذشته، ایران نیز مانند کشورهای منطقه واردکننده شیر و کره بوده است ولی با بومی‌سازی دانش و تلاش شبانه روزی صنعت دامداری کشور نه تنها واردات صفر شد بلکه کارخانجاتی به منظور تولید شیر خشک در سرتاسر کشور به خصوص استان اصفهان تأسیس گردید.

متأسفانه در سال ۱۳۹۱ در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد واردات شیر خشک به کشور انجام گرفت که تولید داخل این صنعت را تضعیف و حتی رو به نابودی کشاند ولی دولت با پرداخت یارانه‌هایی مقداری از این ضررها را جبران نمود و با پرداخت مشوق‌هایی این کارخانجات مبادرت به صادرات شیر خشک صنعتی نمودند که مجدداً در سال ۱۳۹۸ بحث صادرات مواد خام صادرات این محصول ممنوع گردید. با ایجاد انجمن صنفی و مطالبات انجام‌شده این صنعت توانست صادرات را شکل دهد و چالش‌های زیادی مواجه بوده است.

رفع تعهد ارزی یا پیمان سپاری ارزی و ایجاد تورم

رفع تعهد ارزی برای صنعت گاوداری مشکلات فراوانی ایجاد کرده و ارز چند نرخی نیز رانت زیادی ایجاد کرده است. در صنعت تولید شیر خشک باید این نکته را بیان نمود که شیر به عنوان یک کالای استراتژیک نیازمند حمایت‌های اقتصادی و یارانه‌ای دولت‌ها می‌باشد که در یک سال گذشته بالغ بر ۱۰۰ درصد گران شد. این عامل باعث ایجاد افزایش بهای تمام شده تولید شیر خشک صنعتی شده و از سوی دیگر قیمت جهانی این محصول با کاهش محسوس به، کیلویی ۱.۸ دلار تحویل بندر خریدار معامله می‌شود. این در حالی است که قیمت برآوردی گمرک معادل ۲.۶ دلار می‌باشد که بعد از صادرات باید مبلغ فروش رفته مجدداً رفع تعهد ارزی انجام شود. به عبارت دیگر، تولیدکننده ۰.۸ دلار بابت تفاوت نرخ فروش در بازار صادراتی و قیمت‌گذاری گمرک باید زیان تحمل نماید.

مداخلات دولتی و تورم (قیمت‌گذاری دستوری) و یارانه دولتی

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های این صنعت با توجه به ماهیت تولیدات آن‌ها مداخلات دولتی می‌باشد که باعث شده این صنعت را تحت فشار قرار دهد. مهم‌ترین مشکل این صنعت قیمت‌گذاری دستوری می‌باشد که از سویی باعث افزایش قیمت مواد اولیه شده و از سوی دیگر باعث ایجاد رانت در این صنعت شده است. تولیدکنندگان شیر خشک قادر به صادرات محصولات خود به قیمت بازاری نیستند و این عوامل باعث ایجاد دپو در انبارها شده و به تبع آن حق‌الزحمه دامداران به عقب می‌افتد و مشکلات عدیده را برای همه ایجاد می‌نماید.

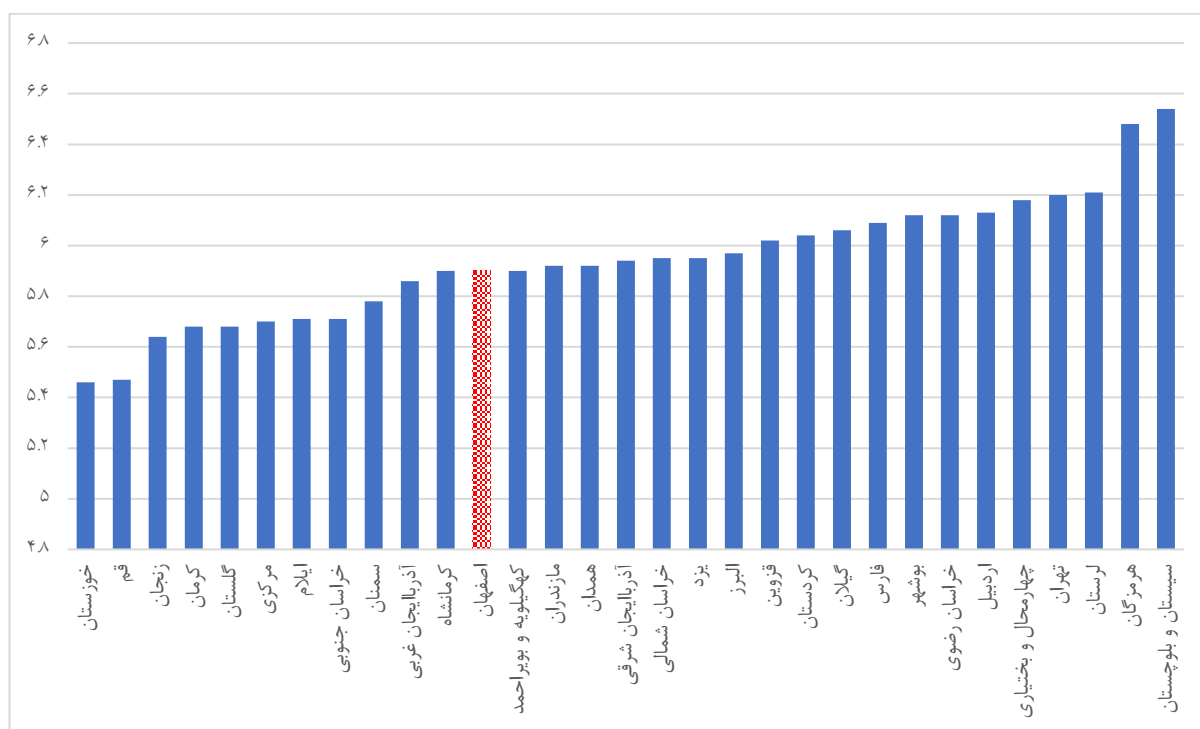
منطق کارشناسان گمرکی برای فرمول‌گذاری قیمت صادراتی جهت رفع تعهد ارزی تخصیص مواد اولیه یارانه‌ای است. در حالی که تولید شیر خشک صنعتی از کلیه عوامل تولید تنها حدود ۲۰٪ از این عوامل تحت پوشش یارانه‌ای دولت قرار دارد و حدود ۸۰٪ تولیدکنندگان باید از بازار آزاد تهیه نمایند. تولیدکنندگان شیر خشک صنعتی به عنوان یک صنعت استراتژیک پایین دستی صنایع گاوداری و دامپروری موظفند محصول خود را با دلار ۳۷۵۰۰ تومان و به ازای قیمت واحد ۲.۶ دلاری رفع تعهد ارزی کنند. یعنی هم دلار آنها ارزان‌تر از بازار آزاد خریداری می‌شود و هم میزان بیشتری دلار باید به دولت بفروشند. این دو مساله باعث زیان صنعت تولید شیر خشک شده که به صنعت دامپروری و کشاورزی زیان وارد می‌کند. مشکلات مذکور صادرات، تولید کشاورزی را مختل کرده و در نتیجه از افزایش تولید تحقق یافته جلوگیری می‌کند که باعث افزایش تورم می‌شود.

فشار هزینه ناشی از فضای نامناسب کسب و کار

در ادامه، جایگاه فضای کسب و کار استان در بین استان‌های کشور را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد:

جدول (۹). شاخص استانی محیط کسب و کار (پاییز ۱۴۰۲)		
رتبه	استان	شاخص استانی محیط کسب و کار (پاییز ۱۴۰۲)
۱	خوزستان	۵,۴۶
۲	قم	۵,۴۷
۳	زنجان	۵,۶۴
۴	کرمان	۵,۶۸
۵	گلستان	۵,۶۸
۶	مرکزی	۵,۷
۷	ایلام	۵,۷۱
۸	خراسان جنوبی	۵,۷۱
۹	سمنان	۵,۷۸
۱۰	آذربایجان غربی	۵,۸۶
۱۱	کرمانشاه	۵,۹
۱۲	اصفهان	۵,۹
منبع: مرکز آمار و اطلاعات اتاق بازرگانی ایران		

نمودار ۷. شاخص استانی محیط کسب و کار (پاییز ۱۴۰۲)



بر اساس آخرین آمار پایش ملی محیط کسب و کار ایران - مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، استان اصفهان رتبه‌ای بهتر از ۱۲ ام از بین ۳۱ استان مشارکت کننده در طرح مذکور بدست نیاورده است. این آمار نشان می‌دهد برای هر سرمایه‌گذاری در کشور ۱۱ موقعیت جغرافیایی بهتر از اصفهان وجود دارد. این شاخص دقیقاً تحت تأثیر کیفیت حکمرانی و سیاست‌های اقتصادی دولتی در سطح ملی و استانی قرار دارد. استان‌هایی مانند قم، زنجان، کرمان، گلستان، مرکزی، ایلام، خراسان جنوبی و سمنان که پتانسیل‌های رشد اقتصادی به مراتب کمتری از استان اصفهان دارند به دلیل کیفیت عملکرد بهتر مقامات دولتی توانسته‌اند شرایط کسب و کار به مراتب بهتری نسبت به اصفهان ایجاد کنند. استانداری اصفهان می‌تواند با الگوبرداری از روش‌های حکمرانی در استان‌های مورد اشاره، توقف موتور ماشین تولید بخشنامه‌های خلق الساعه و حذف بوروکراسی زائد اداری کیفیت فضای کسب و کار را در استان اصفهان بهبود ببخشد.

شرایط امنیت سرمایه گذاری در استان اصفهان در دی ماه ۱۴۰۲

جدول (۱۰). رتبه بندی استان‌ها از نظر شاخص ملی امنیت سرمایه گذاری در پایش تابستان ۱۴۰۲		
رتبه	استان	شاخص امنیت سرمایه گذاری
۱	هرمزگان	۵,۱۴
۲	گلستان	۵,۲۳
۳	خراسان شمالی	۵,۳۷
۴	کرمان	۵,۴
۵	سمنان	۵,۴۲
۶	خراسان جنوبی	۵,۴۵
۷	آذربایجان غربی	۵/۴۶
۸	مازندران	۵,۴۸
۹	فارس	۵,۵۲
۱۰	کرمانشاه	۵,۵۶
۱۱	مرکزی	۵,۵۸
۱۲	خراسان رضوی	۵,۶
۱۳	یزد	۵,۶۱
۱۴	همدان	۵,۶۴
۱۵	زنجان	۵,۶۴
۱۶	بوشهر	۵,۶۹
۱۷	البرز	۵,۷
۱۸	کردستان	۵,۷۱
۱۹	کردستان	۵,۷۱
۲۰	قزوین	۵,۷۳

۲۱	گیلان	۵,۷۷
۲۲	اصفهان	۵,۷۸
۲۳	اردبیل	۵,۸
۲۴	قم	۵,۸۱
۲۵	ایلام	۵,۸۶
۲۶	خوزستان	۵,۸۷
۲۷	آذربایجان شرقی	۵,۸۹
۲۸	لرستان	۵,۹۳
۲۹	چهارمحال و بختیاری	۵,۹۴
۳۰	تهران	۶,۰۸
۳۱	کهگیلویه و بویراحمد	۶,۱۷
	میانگین	۵,۶۶
منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مسلسل ۱۹۶۳۵		

به استناد تازه‌ترین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیرامون پایش امنیت سرمایه‌گذاری در تابستان ۱۴۰۲ استان اصفهان از بین ۳۱ استان کشور جایگاهی بهتر از ۲۲ کسب نکرده است. در همین گزارش استانهایی مانند کرمان، فارس و یزد که شایستگی‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی بسیار کمتری از اصفهان دارند، به ترتیب رتبه‌های ۴ ام، ۹ ام، و ۱۳ ام را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۱۱). مقایسه رتبه اصفهان با استان‌های کرمان، فارس و یزد در نماگرهای هفت‌گانه امنیت سرمایه‌گذاری								
ردیف	استان/شاخص	عملکرد دولت	ثبات اقتصاد کلان	فرهنگ وفای به عهد و صداقت و درستی	تعریف و تضمین حقوق مالکیت	ثبات و پیش‌بینی پذیری مقررات و رویه‌های اجرایی	شفافیت و سلامت اداری	مصونیت جان و مال شهروندان از تعرض
۱	کرمان	۹	۳	۳	۱۹	۲	۲۱	۶
۲	فارس	۱۹	۷	۶	۱۲	۲۱	۱۴	۷
۳	یزد	۴	۱	۲۶	۷	۶	۱۵	۳
۴	اصفهان	۱۳	۱۳	۲۸	۹	۵	۱۳	۱۸
منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی								

همانگونه که جدول فوق نشان می‌دهد نماگری که بیش از هر عامل دیگری موجب سقوط شاخص امنیت سرمایه‌گذاری شده است رتبه نازل استان اصفهان در نماگر «فرهنگ وفای به عهد و صداقت و درستی» و

سپس نماگر «مصونیت جان و مال و شهروندان از تعرض» می‌باشد. بهبود نماگر «مصونیت جان» که کاملاً در ید بخش دولتی و خارج از حیطه کنترل و اختیارات بخش خصوصی است.

مؤلفه‌های مؤثر بر نماگر «فرهنگ و وفای به عهد» که عامل اصلی سقوط جایگاه استان اصفهان در امنیت سرمایه‌گذاری شده است، در قالب سه دسته بصورت زیر قابل تقسیم‌بندی هستند:

۱-دسته اول: مؤلفه‌های پیمایشی کیفیت عملکرد اهالی بازار؛ ۲- دسته دوم: مؤلفه‌های پیمایشی کیفیت عملکرد بخش دولتی؛

۳-دسته سوم: مؤلفه‌های آماری

جدول (۱۲). مؤلفه‌های نماگر «فرهنگ وفای به عهد و صداقت و درستی»			
شرح مؤلفه‌ها (پیمایشی/آماري- بازار/بخش دولتي)	مؤلفه‌های نماگر «فرهنگ وفای به عهد و صداقت و درستی»	متوسط مقدار برای استان اصفهان	وزن تأثیرگذاری در محاسبه شاخص امنیت سرمایه‌گذاری
مؤلفه‌های پیمایشی دسته اول- کیفیت عملکرد اهالی بازار	وجود کلاه برداری یا تقلب در بازار میزان وفای به عهد در اجرای قرارداد در بازار	۴/۷۷۷۳	۸۰٪
	وفای به عهد دولت و شرکت های دولتی عمل مسئولان ملی به وعده ها عمل مسئولان استانی و محلی به وعده ها	۷/۰۰۳۸۹	
دسته سوم- مؤلفه- های آماری	تعداد پرونده های خیانت در امانت (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) تعداد پرونده های مطالبه طلب (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) درصد چکهای برگشتی تعداد پرونده های کلاهبرداری (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت)	۷/۸۲۷۳۷	۲۰٪
منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی			

همانگونه که جدول فوق نشان می‌دهد مؤلفه‌های آماری که عمدتاً از دستگاه قضایی به مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی اعلام شده است ماهیت برون‌زا دارد که تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی کلان دولت‌ها قرار دارد و تنها وزن ۲۰٪ در بهبود شاخص امنیت سرمایه‌گذاری دارد. همچنین، متوسط مؤلفه‌های پیمایشی دسته اول (مرتبط با کیفیت عملکرد اهالی بازار) حدود ۴/۷ می‌باشد که میزان بسیار مناسبی ارزیابی می‌شود. اما،

مشکلات اصلی شاخص امنیت سرمایه‌گذاری مربوط به مؤلفه‌های پیمایشی دسته دوم می‌باشد که مقدار آن بطور متوسط حدود ۷ می‌باشد (بسیار نامناسب) و از آنجایی که وزن تأثیرگذاری آن به میزان ۰/۸ می‌باشد، فرصت بهبود بسیار مناسبی را پیش روی بخش دولتی (وزارت اقتصاد، بانک‌های استان، استانداری، شرکت شهرک‌ها، شرکت‌های دولتی و امثالهم) فراهم کرده است به نحوی که با کمی بهبود کیفیت عملکرد بخش دولتی امنیت سرمایه‌گذاری در استان اصفهان به میزان زیادی ارتقا خواهد یافت.

نتایج تحلیل حساسیت انجام شده در الگوی مشترک کمیسیون سرمایه‌گذاری و مرکز پژوهشهای اتاق بازرگانی اصفهان نشان می‌دهد اگر فقط یک واحد مؤلفه‌های پیمایشی دولتی بهبود پیدا کنند، جایگاه استان اصفهان در نماگر مذکور ۱۰ واحد ارتقا می‌یابد و اگر سطح کیفی مؤلفه‌های دولتی به سطح کیفی مؤلفه‌های بخش خصوصی برسند، به جایگاه سوم کشور در نماگر «وفای به عهد» می‌رسیم. در ادامه پیشنهادات مرکز پژوهش-های اتاق بازرگانی اصفهان به شرح زیر می‌باشد:

۱-بهبود شرایط تأمین مالی فعالیت مولد اقتصادی (اعم از تولیدی، کشاورزی، بازرگانی، خدماتی):
بررسی آمار منتشر شده توسط بانک مرکزی از نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌های دریافتی سیستم بانکی استان‌های کشور در دی ماه نشان می‌دهد متأسفانه استان اصفهان از بین ۳۲ استان کشور رتبه‌ای بهتر از ۲۴ کسب نکرده است. این رتبه نامناسب (که شرایط نامناسب تأمین مالی را نشان می‌دهد) همبستگی خیلی بالایی با رتبه نامناسب امنیت سرمایه‌گذاری استان دارد. در صورتی که نسبت تسهیلات به سپرده‌های استان از ۶۴/۵۹ مانند استان همسایه چهارمحال و بختیاری به سطح ۱۰۰٪ برسد رتبه استان برای نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌های دریافتی به جایگاه ۵ ام کشور خواهد رسید. بنابراین، فرصت بهبود بسیار زیادی در سیستم بانکی وجود دارد و اعطای تسهیلات بانکی در استان اصفهان می‌تواند انگیزه‌ها برای سرمایه‌گذاری و تولید را بهبود بخشد. همچنین، موجب می‌شود احساس عمل به وعده‌های مسئولان دولتی و استانی را نزد فعالان اقتصادی، بخش خصوصی و آحاد مختلف مردم بهبود ببخشد که منتج به بهبود شاخص امنیت سرمایه‌گذاری خواهد شد.

۲-بهبود فضای کسب کار از طریق توقف موتور ماشین تولید بخشنامه‌های خلق الساعه و حذف بوروکراسی زائد اداری: بر اساس آخرین آمار پایش ملی محیط کسب و کار ایران- مرکز پژوهشهای اتاق ایران، استان اصفهان رتبه‌ای بهتر از ۱۲ ام از بین ۳۱ استان مشارکت کننده در طرح مذکور بدست نیاورده است. این آمار نشان می‌دهد برای هر سرمایه‌گذاری در کشور ۱۱ موقعیت جغرافیایی بهتر از اصفهان وجود دارد. این شاخص دقیقاً تحت تأثیر کیفیت حکمرانی و سیاست‌های اقتصادی دولتی در سطح ملی و استانی قرار دارد. استانهایی مانند قم، زنجان، کرمان، گلستان، مرکزی، ایلام، خراسان جنوبی و سمنان که پتانسیل‌های رشد اقتصادی به مراتب کمتری از استان اصفهان دارند به دلیل کیفیت عملکرد بهتر مقامات دولتی توانسته‌اند

شرایط کسب و کار به مراتب بهتری نسبت به اصفهان ایجاد کنند. استانداری اصفهان می‌تواند با الگوبرداری از روش‌های حکمرانی در استان‌های مورد اشاره کیفیت فضای کسب و کار را در استان اصفهان بهبود ببخشد. کاملاً واضح است هنگامی که جریان وجوه نقد خروجی از استان نسبت به جریان وجوه نقد ورودی به استان بیشتر باشند، ۱۱ استان دیگر فضای کسب و کار مناسب‌تری نسبت به استان داشته باشند، و ۲۱ استان دیگر امنیت سرمایه‌گذاری بیشتری نسبت به استان اصفهان داشته باشند، حال و آینده اقتصادی استان با مخاطرات فراوانی همراه خواهد بود.

سیاست گذاری حمایتی از بخش کشاورزی و دامپروری در کشورهای پیشرفته

وظایف تصدی‌گری دولت ناشی از شکست مکانیسم بازار آزاد

در حقیقت، مواردی در جامعه وجود خواهد داشت که در آن مکانیزم بازار جوابگو نیست و دولت مجبور به دخالت در آن امور می‌گردد این موارد به شرح ذیل است:

- پیامدهای خارجی اقتصاد مقیاس
- عرضه کالای همگانی
- ریسک پذیری
- برنامه ریزی شهری

پیامدهای خارجی

در اقتصاد همواره منافعی وجود دارد که این منافع به تولید کننده واقعی آن‌ها نمی‌رسد همچنین هزینه‌هایی وجود دارد که به افراد غیر ذی حق تحمیل می‌گردد به این گونه پدیده‌های پیامدهای خارجی می‌گویند که به دو دسته تقسیم می‌شوند:

پیامد خارجی مثبت

پیامد خارجی منفی

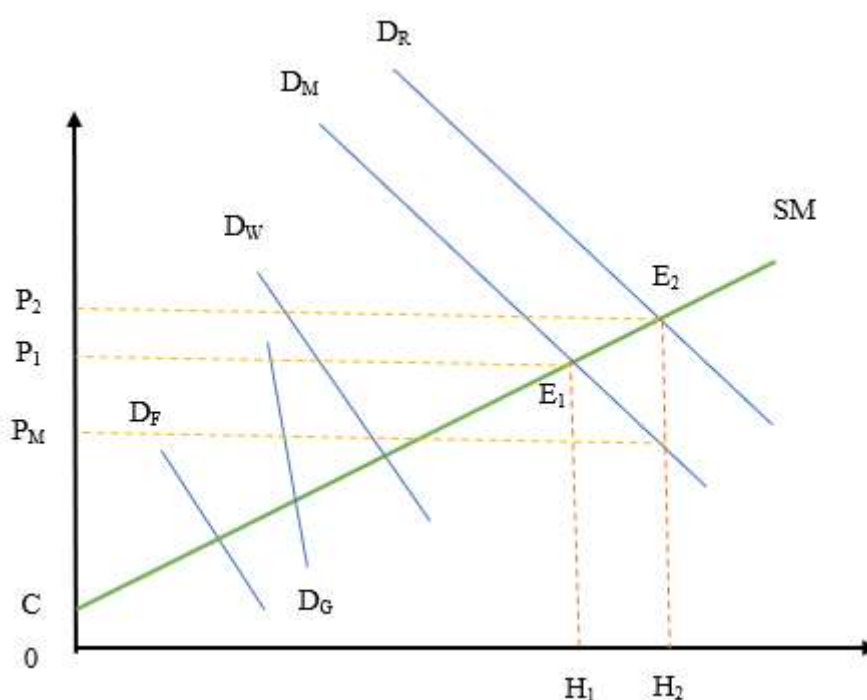
پیامد خارجی مثبت به منافعی گفته می‌شود که عاید ذی حق یا تولید کننده آن، نشود مانند گله‌ای که کشاورز تولید می‌نماید اما منفعتی برای وی ندارد زیرا بدون آنکه قیمت آن به کشاورز پرداخت شود خوراک زنبورهای عسل را تشکیل می‌دهد. عسل که در حقیقت محصول کار کشاورز است توسط زنبوردار به فروش می‌رسد که از این رهگذر هیچ چیز نصیب کشاورز نمی‌شود. همچنین اکسیژنی که به وسیله درخت تولید می‌شود و در حقیقت کشاورز به وجود آورنده آن بوده است به سلامتی محیط زیست کمک شایانی می‌نماید اما مکانیزم بازار به محاسبه منافع آن نمی‌پردازد و بهای آن را به کشاورز نمی‌دهد. در مقابل پیامد خارجی منفی به ضرر و زیان‌هایی گفته می‌شود که به غیر ذی حق تحمیل می‌گردد مانند آلودگی که موتورسیکلت‌ها

ایجاد می‌کنند و در حقیقت دیگران را متضرر می‌کند اما مکانیزم بازار هزینه آن را از صاحب موتورسیکلت دریافت نمی‌نماید. لذا دولت باید شکست بازار را در این موارد جبران کند که از طریق مدل‌های زیر می‌تواند وارد عمل شود.

پیامد خارجی مثبت

در نمودار زیر بر روی محور افقی HEC (هکتار زمین کشاورزی) و روی محور عمودی P, C (هزینه و قیمت) را اندازه‌گیری می‌نماییم. کشاورز با یک تابع عرضه و یک تابع تقاضا روبرو خواهد بود، که توسط ساز و کار بازار تعیین می‌شوند. از این رو آن‌ها را به ترتیب S_M و D_M می‌نامیم، که همان نماد بازار یا Market است. اگر قیمت نخستین واحد محصول OC ریال باشد تولید فرآورده‌های کشاورزی مقرون به صرفه نخواهد بود. ولی با افزایش قیمت، عرضه محصولات کشاورزی افزایش می‌یابد زیرا شیب تابع عرضه محصولات کشاورزی مثبت است.

نمودار ۸. منافع و هزینه‌های مشهود و نامشهود بخش کشاورزی



بر پایه تعاریفی که در دانش اقتصاد انجام گرفته تقاضا برای کالاهای کشاورزی شامل تمام ارزش‌هایی است که کشاورز خلق می‌کند؛ یعنی همه منافع که توسط کشاورز ایجاد می‌گردد به عنوان مثال در بازار، برای میوه تقاضایی وجود دارد که آن را با نشان D_{fruit} می‌دهیم. تقاضای دامداران برای علوفه D_{grass} و تقاضا برای چوب و سرشاخه هرس شده نیز D_{wood} است. سه تابع تقاضای فوق با هم به‌طور افقی جمع می‌شوند و تابع

تقاضای کل (D_M) به وجود می‌آید. در بلندمدت اقتصاد جامعه در E_1 به تعادل می‌رسد. زیرا هر سه محصول کشاورز، باغدار یعنی میوه، علوفه باغ و سرشاخه های بریده شده درختان در بازار قابل فروش است. در نقطه تعادل E_1 ، به اندازه H_1 هکتار زمین زیر کشت میرود و OP_1 واحد پول عاید کشاورز می‌شود. اما کشاورز به نتیجه واقعی زحماتش نرسیده است. در حقیقت کار کشاورز منفعت‌های بسیاری به همراه داشته است که بازار از محاسبه و پرداخت پاداش آن ناتوان است. در حالی که جامعه برای کلیه این خدمات تقاضای واقعی دارد. در نتیجه تقاضای گمشده در ساز و کار قیمت گذاری بازار شامل ارزشهای تولید شده زیر خواهد بود:

- ۱- گرده گل (که بدون پرداخت قیمت از سوی زنبوردار به کشاورز در تولید عسل به مصرف میرسد).
- ۲- اکسیژن (که بدون پرداخت قیمت از سوی مردم مصرف می‌شود)
- ۳- رطوبت (درختان و گیاهان در ایجاد رطوبت هوا بسیار مؤثر هستند).
۴. جلوگیری از سیل (در حقیقت در جایی که درخت وجود دارد نسبت به زمینه‌ای آسفالت شده آب به راحتی در زمین فرو رفته و از ایجاد سیل جلوگیری می‌شود).
۵. خنک کردن هوا (درختان و گیاهان نقش عمده‌ای در خنک کردن هوا دارند به طوری که مطابق تحقیقی که در فرانسه انجام شده است هر درخت نارون به اندازه یک دستگاه کولر ۴۰۰۰ هوا را خنک می‌نماید).
۶. جذب آلودگی‌ها (درختان گاز کربنیک (CO_2) هوا را گرفته، کربن (C) آن را جذب و اکسیژن را آزار می‌کنند و این امر در پالایش هوا به خصوص در شهرهای آلوده بسیار مؤثر است).
۷. جذب ذرات معلق (که همان گرد و خاک موجود در هواست. محققین در فرانسه درختان یک خیابان مرکزی شهر را شستشو داده و پس از جمع کردن آب‌های آن و تبخیر آن‌ها، رسوب آن را اندازه‌گیری کردند. مشاهده شد که درختان به میزان زیادی ذرات معلق و آلودگی‌های هوا را جذب می‌کنند این ذرات از عوامل مهم بیماری‌های گوناگون است).

اگر دولت بخواهد قیمت ناشی از تقاضا برای این خدمات یا پیامد خارجی مثبت را از مصرف‌کننده به صورت مالیات دریافت کند و به کشاورز باغدار که مالک واقعی این ارزش‌ها است بپردازد، هفت تابع تقاضا بر سه تابع تقاضای قبلی اضافه می‌شود. مجموع آن‌ها تابع تقاضای D_R است که R به‌عنوان نماد Real (واقعی) به کار رفته است. در این صورت نقطه تعادل واقعی E_2 می‌باشد. تصویر E_2 روی محور افقی نقطه H_2 و روی محور عمودی نقطه P_2 است. یعنی عایدی کشاورز افزایش می‌یابد. زیرا دولت در اینجا پولی به عنوان تقاضای پیامد خارجی مثبت به وی پرداخت می‌نماید خود کشاورز بدون دخالت دولت OP_1 واحد پول دریافت می‌کرد و به اندازه OH_1 هکتار باغ ایجاد می‌نمود. در حالیکه بازار نیازمند OH_2 هکتار زمین زیر کشت برای تولید میوه علوفه ... است. با افزایش، تولید قیمت میوه، علوفه و سرشاخه درختان کاهش یافته و به P_M ریال می‌رسد. پس

دولت با دخالت در مکانیزم بازار باید به اندازه PMP_2 ریال سوبسید به بخش کشاورزی اعطا می‌نماید، تا تولید باغ و فضای سبز به حد مطلوب یا بهینه نزدیک شود.

اما دولت‌ها با چه روش‌هایی می‌توانند به بخش کشاورزی یاری رسانند تا از رهگذر این اقدام پیامد خارجی مثبتی کشاورزی تصحیح شود منافع جنبی که توسط کشاورز تولید شده عاید خودش گردد و در نتیجه زمینهای مستعد کشور به زیر کشت برود؟

عمده روش‌های حمایت از بخش کشاورزی

عمده روش‌ها عبارتند از:

۱- **خرید تضمینی:** در این روش دولت تضمین مینماید که مقدار مشخصی از تولیدات کشاورز را خریداری نماید تا بخش کشاورزی از مازاد تولید زیان نبیند.

۲- **خرید و امحاء:** به عنوان مثال دولت آمریکا مازاد گندم را از کشاورز خریداری مینماید اما چون مصرفی برای آن ندارد گندم مازاد را سوزانده یا به دریا میریزد در واقع نابودی مازاد تولید یکی از راههای مؤثر حمایت از بخش کشاورزی است.

۳- **سوبسید صادرات یا دامپینگ:** این سیاست نیز توسط دولت آمریکا مستمراً اعمال می‌شود دولت هر تن گندم را از کشاورز به قیمت ۲۰۰ دلار خریداری می‌نماید و به قیمت ۱۲۰ دلار صادر می‌کند. در واقع کشور خریدار گندم ۸۰ دلار از دولت آمریکا سوبسید دریافت می‌نماید که به آن سوبسید صادرات گویند. اما دولت آمریکا با این روش زیان نمی‌بیند. چون با این کار موجب می‌شود که زمینهای موجود در آن کشور مانند زمینهای کشورهای جهان سوم رها نشود و تبدیل به بیابان و زمین بایر نگردد اگر دولت خود می‌خواست زمینهای بایر را آباد کند هزینه‌ای به مراتب سنگین تر از پرداخت سوبسید به کشاورزان متحمل می‌شود.

۴- **سوبسید داده‌های کشاورزی:** در گذشته دولت ایران به سموم دفع آفات و کود شیمیایی سوبسید اعطاء مینمود اما سازمان خوراک و کشاورزی جهانی FAO اعلام نمود که کود شیمیایی تدریجاً زمین را تخریب و محصولات را با کیفیت پایین مواجه نموده و بیماریهای ناشناخته و نو پدید به وجود می‌آورد به همین دلیل به کلیه کشورهای عضو پیشنهاد کرد نسبت به قطع یارانه سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی اقدام کنند. در کشور ما برخی از ماشین آلات کشاورزی از سوبسید برخوردار هستند که به نظر می‌رسد این نوع یارانه برای تصحیح پیامد خارجی مثبتی کشاورزی سودمند باشد.

۵- **پرداخت مستقیم به کشاورز:** در این روش شهرداری‌ها به کلیه باغ‌ها و حتی کشتزارهای پیرامون شهرهای بزرگ مبلغ مشخصی به ازای هر هکتار فعالیت کشاورزی پرداخت می‌نمایند، تا کشاورزان از روستاها

به شهرها مهاجرت نکنند و یا زمینهای کشاورزی بیهوده رها نشوند، معمولاً یارانه کشاورزی پیرامون شهرها را شهرداری‌ها می‌پردازند. زیرا این سیاست به مراتب از جنگل کاری و حفظ کمربند سبز پیرامون شهرها ارزان‌تر است. نتیجه مباحث بالا این است که پاداش پیامد خارجی مثبت می‌بایست با پرداخت سوبسید جبران گردد. بنابراین دولت‌ها باید ما به التفاوت همه این پیامد خارجی مثبت را محاسبه و به روش‌های مختلف به تولید کنندگان آن ارزشها اعطاء نمایند.

نظریه تورم انتظاری

براساس این نظریه انتظارات عاملین اقتصادی از تورم در آینده بر تحقق تورم مؤثر است. به بیان بسیار ساده اگر اکثریت مردم انتظار داشته باشند سطح عمومی قیمت‌ها در سال آینده افزایش پیدا می‌کنند، واقعا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها محقق می‌شود. بنابراین انتظارات عاملین و فعالان اقتصادی از تورم مستقیماً بر آن‌ها تاثیر گذار است. این نظریه گرچه متکی بر جنبه‌های رفتاری و روانشناختی عاملان اقتصادی است اما جنبه‌های عینی آن به شدت محسوس است و توسط شواهد، مطالعات تجربه متقنی به تایید رسیده است. از این منظر طبق این نظریه الگوی انتظارات مردم در خصوص مهار تورم باید به دقت مورد تحلیل قرار گیرد. در ادامه الگوهای شکل‌گیری انتظارات تورمی را تبیین خواهیم نمود.

الگوی انتظارات تورمی تطبیقی^۱

براساس این الگو انتظارات فعالان اقتصادی از تورم براساس تجربه‌های پیشین آن‌ها در خصوص تورم شکل می‌گیرد. یعنی تجربیات فعالان اقتصادی در پیش‌بینی میزان تورم شکل می‌گیرد. یعنی فعالان اقتصادی در پیش‌بینی میزان تورم در سال آتی به اطلاعاتی که از سابقه ذهنی خود در خصوص تورم در سال‌های قبل دارند توجه می‌کنند.

الگوی انتظارات تورمی عقلایی^۲

براساس این الگو فعالان اقتصادی در پیش‌بینی تورم سال آتی گرچه از اطلاعات گذشته هم استفاده می‌کنند اما آخرین و تازه‌ترین و به روزترین اطلاعات و داده‌های اقتصادی را در پیش‌بینی لحاظ می‌کنند. به طور مثال نرخ رشد نقدینگی، نرخ رشد تولید و ...

بر اساس الگوی انتظارات عقلایی نظریه به این نتیجه می‌رسد که دولت در اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی به شدت احتیاط کند زیرا فعالان اقتصادی تبعات سیاست‌های پولی و مالی و ارزی را به دقت در نظر گرفته و پیش‌بینی می‌کنند. در نتیجه کارایی سیاست‌های پولی و مالی تا حد زیادی کاهش پیدا می‌کند. لذا دولت

^۱ - [Adoptive](#) inflationary expectation theory

^۲ - Rational inflationary expectation theory

باید در خلق پول، رشد نقدینگی، بهبود فضای کسب و کار و کاهش هزینه های تأمین مالی انضباط حداکثری داشته باشد.

گرچه در باب علل و درمان تورم نظریات متعددی وجود دارند اما امروزه اقتصاددانان بر روی یک عامل بیشتر از سایر عوامل تاکید و اجماع دارند آن عامل عبارت است از:

پولی شدن کسری بودجه

کسری بودجه دولت در صورتی که از طریق روش های غیر تورمی تأمین مالی نشود بدون تردید باعث تورم می شود. بطور کلی ۴ روش برای تأمین مالی کسری بودجه دولت وجود دارد:

الف- استقراض از بانک مرکزی

ب- استقراض از موسسات پولی و بانکی خارجی

ج- اوراق بدهی

د- فروش دارایی های مازاد دولت

در صورتی که دولت ها برای تأمین مالی کسری بودجه به استقراض از بانک مرکزی روی بیاورند، منابع پایه پولی ارزش پیدا کرده و به دنبال آن نقدینگی افزایش پیدا می کند که منجر به تورم می شود.

سایر عوامل در صورتی که باعث افزایش نقدینگی نشوند تبعات تورمی نخواهند داشت.

جدول (۱۳). روش های تأمین مالی کسری بودجه دولت		
ردیف	شرح	تبعات تورمی
۱	استقراض از بانک مرکزی	به شدت تورمی
۲	استقراض از موسسات پولی خارجی	اگر منجر به افزایش نقدینگی نشود تبعات تورمی ندارد.
۳	فروش دارایی های مازاد دولت	اگر منجر به افزایش نقدینگی نشود تبعات تورمی ندارد.
۴	اوراق بدهی	ندارد
منبع: یافته های پژوهش		

بخش دوم: بررسی تورم از منظر اقتصاددانان برجسته کشور

تورم مورد توجه بسیاری از پژوهشگران اقتصادی کشور در دهه های اخیر قرار گرفته است. وجه مشترک بیشتر این پژوهش ها را می توان در این جمله خلاصه نمود که تورم در اقتصاد ایران یک پدیده پولی است. طبیبیان و سوری (۱۳۷۵)، داوودی (۱۳۷۶)، جلالی نائینی (۱۳۷۶)، افشین نیا (۱۳۷۷)، کازرونی و اصغری (۱۳۸۱) در پژوهش های خود که به شناسایی عوامل ایجاد کننده

تورم در اقتصاد ایران پرداختند. همگی به این نتیجه مشترک رسیدند که حجم نقدینگی از عوامل اصلی و مهم ایجاد تورم در ایران است.

کميجانی و بهرامی راد (۱۳۸۷) به بررسی (آزمون رابطه بلندمدت بین نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ تورم) پرداختند. علت اصلی پرداختن به این موضوع را از یک طرف دستوری بودن نرخ سود بانکی در ایران بیان می‌نمایند و از طرف دیگر موضوع بحث برانگیز قانون کاهش نرخ سود بانکی بیان می‌نمایند. نتایج حاکی از آن است که اولاً در بلند مدت نرخ تورم و نرخ سود اسمی در یک جهت تغییر می‌کنند و ثانیاً در بلند مدت تغییر در نرخ تورم علت تغییر در نرخ سود اسمی است.

طیبنیا و زندیه (۱۳۸۸) (اثرات فرآیند جهانی شدن بر تورم در ایران) دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۴ مورد بررسی قرار دادند نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که:

- ۱- هر چه اقتصاد ایران بازتر، باشد انتظار می‌رود اثر تورم نوسانات کمتری داشته باشد ۲-
- افزایش قیمت نسبی کالاهای وارداتی همانند شوک عرضه در اقتصاد عمل کرده و تورم را افزایش می‌دهد ۳- رونق و رکود شرکای تجاری، ایران از طریق تجارت به ایران نیز منتقل شده و تورم داخلی را متأثر می‌نماید.

جدول (۱۴). بررسی علل تورم از منظر اقتصاددانان برجسته کشور		
ردیف	نام اقتصاددان و عنوان تحقیق	نتایج و شرح نظرات
۱	طیبیان، محمد؛ سوری، داود (سال ۱۳۷۵). ریشه های تورم در اقتصاد ایران	در کشور ما نیز مانند بسیاری از کشورهای نفت خیز دیگر درآمد حاصل از صادرات نفت اثرات دامنه‌داری بر نظام اقتصادی کشور اعمال نموده است. از آنجا که قسمت قابل ملاحظه‌ای از تولید ملی توسط یک بخش صادرکننده مواد خام تولید می‌شود و این بخش از درآمد ملی بر حسب ارز خارجی کسب می‌شود، نحوه تبدیل ارزش این تولید به پول داخلی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. به این معنی که حدود ۲۰ - ۱۵ درصد از تولید ملی کشور ابتدا به صورت دلاری تحقق یافته و سپس به ریال تسعیر می‌شود. این امر نه تنها تمام سیستم مالی دولت بلکه سیستم پولی و بانکی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر آن نظام تجارت بین‌المللی کشور نیز به شکل‌های مختلف تحت تأثیر این امر قرار می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های کشورهای که اقتصاد آنها وابسته به صادرات مواد خام است. نحوه تأثیر پذیری جنبه‌های مختلف اقتصاد کشور در مراحل درونی کردن و جذب این درآمد بر حسب پول خارجی است. نکته ای که از دید کسانی که (پایین نگه‌داشتن قیمت ارز را برای پایین نگه‌داشتن تورم تجویز می‌نمایند) پنهان می‌نماید مسئله اثر بودجه‌ای و پولی نرخ تسعیر ارز در اقتصاد کشور است. در شرایطی که بودجه دولت به دلایل افزایش وظایف دولت و رشد جمعیت در حال افزایش بوده است و درآمدهای داخلی نیز کفاف جبران این افزایش را نمی‌کند، پایین نگه‌داشتن تصنعی نرخ ارز به ایجاد شکاف بین درآمدها و هزینه های دولت کمک کرده و این شکاف

		درآمد و هزینه که از طریق افزایش نقدینگی تأمین شده خود عامل اصلی تورم در کشور بوده است. در این مورد در شرایطی که کسری بودجه از محل ایجاد نقدینگی جدید تأمین می‌شود و افزایش نقدینگی عامل اصلی ایجاد تورم به حساب می‌آید افزایش نرخ تسعیر در صورتی که منجر به افزایش جمع آوری منابع ریالی داخلی و جلوگیری از ایجاد نقدینگی شود در واقع اثری ضد تورمی خواهد داشت. متغیرهای ارزی از یک زاویه دیگر نیز بر اقتصاد کشور تأثیر می‌گذاشته است. در شرایطی که ذخایر ارزی کشور افزایش یابد به دلیل افزایش پایه پولی به افزایش نقدینگی می‌انجامد چون عامل اصلی در افزایش پایه پولی در کشور ما افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی بوده و افزایش در ذخائر ارزی نیز در موارد خاص عملی می‌شده این وجه از اثر درآمدهای ارزی بر اقتصاد کشور کم‌رنگ‌تر از سایر وجوه آن بوده است. برای بررسی رفتار بلند مدت الگو آزمون هم انباشتگی (یوهانس) مورد استفاده قرار گرفته است که نشان از وجود دو رابطه تعادلی و یا دو سیر مشترک بین متغیرهای مورد نظر است. با مشخص این دو بردار و هماهنگی آنها با تئوری اقتصاد دو رابطه زیر به عنوان رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای فوق به دست می‌آید. $CPI = m2 - 1.598Y$ $SE \quad (0.17)$ $PIM = m2 - 2.069Y$ $SE \quad (0.31)$ رابطه اول بیانگر تئوری مقداری پول و رابطه دوم نیز بیانگر رابطه مستقیم قیمت کالاهای وارداتی (که بیشتر نشان‌دهنده کاهش ارزش ریال است) با عرضه پول و رابطه عکس با تولید است. این دو رابطه سطح قیمت (قیمت خرده فروشی و قیمت نسبی کالاهای قابل مبادله به غیر قابل مبادله) را متأثر از تفاوت حجم اسمی پول و نسبتی از تولید می‌دانند. مشخص است که در هر دو رابطه نقش مکانیسم ایجاد تعادل عرضه و تقاضا به قیمت سپرده شده است. بر اساس این دو رابطه آنچه که می‌توان عنوان کرد این است که افزایش حجم پول به علت کسری بودجه متوالی دولت در کنار عدم کارایی بازار سرمایه و کاهش تولید به علل مختلف مانند جنگ و محاصره اقتصادی عواملی هستند که موجب افزایش سطح عمومی قیمت و کاهش ارزش ریال گردیده‌اند. رابطه مستقیم کاهش ارزش ریال با افزایش قیمت داخلی به روشنی مشخص است اما مهم این است که هم افزایش قیمت و هم کاهش ارزش ریال در یک بستر و هر دو از یک منبع که همان افزایش عرضه پول است (در شرایطی که تولید به کندی تغییر می‌کند) سرچشمه می‌گیرند و در این فرآیند است که کاهش ارزش ریال روند افزایش قیمت را نیز تشدید می‌کند.
۲	داودی، پرویز (سال ۱۳۷۶). سیاست‌های تثبیت اقتصادی و	رفتار تورم در ایران را از سه بعد زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت بررسی می‌کند.

	برآورد مدل پویای تورم در ایران	نتایج حاصل دلالت بر آن دارد که نرخ رشد بالای نقدینگی و افزایش نوسان‌های نرخ ارز در بازار غیر رسمی و نیز انتظارات تورمی مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده تورم در ایران است. به نوعی که در بلند مدت نرخ تورم با ۹۵ درصد تغییر در نرخ رشد نقدینگی همپارچه بوده و این حاکی از پولی بودن تورم در ایران در بلندمدت است. همچنین نرخ تورم بلندمدت و تعادلی معادل ۵/۳ درصد در ایران پیش‌بینی شده و بر این اساس سیاست‌های پولی می‌بایست با هدف قرار دادن این نرخ رشد پول را متعادل کنند. برآورد مدل‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت نشان داده‌اند که ۱ درصد افزایش در حجم نقدینگی در کوتاه مدت ۰/۴۱ درصد در میان مدت ۰/۴۳ درصد و در بلند مدت بیش از ۹۵٪ درصد منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌گردد در حالی که هر ۱ درصد کاهش ارزش نرخ ارز (رشد ۱ درصد نرخ ارز غیررسمی) در کوتاه مدت ۰/۲۷ درصد در میان مدت ۰/۳۸ درصد و در بلندمدت ۰/۳۶ درصد به طور متوسط منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌گردد. بنابراین، اثرات میان مدت نوسان‌های نرخ ارز غیر رسمی بر تورم بیشتر از اثرات بلند مدت آن و اثرات بلند مدت رشد نقدینگی بر تورم بالاتر از اثرات کوتاه مدت و میان مدت آن است.
۳	جلالی نائینی، سید احمد رضا؛ خیابانی، ناصر (سال ۱۳۷۶). اثر متغیرهای کلان بر تراز تجاری ایران	گزینش استراتژی‌های تشویق صادرات و یا جایگزینی واردات و یا ترکیبی از این دو لزوماً منجر به ایجاد تعادل در تراز تجاری و تعادل در عرضه و تقاضای ارز نمی‌گردد. به طور مثال سیاست تشویق صادرات و آزادسازی بازار ارز به تنهایی منجر به تعادل در بخش تجارت خارجی و یا تعادل در تراز پرداخت‌های جاری نمی‌گردند. بلکه این سیاست‌ها در یک فضای مناسب اقتصاد کلان و با اجرای مجموعه‌ای از سیاست‌های مناسب مالی و پولی شانس بیشتری برای توفیق خواهند داشت. اثر افزایش هزینه‌های دولتی و یا اثر افزایش کسری بودجه بر تراز تجاری بستگی به نوع منبع تأمین کسری دارد. زمانی که رشد هزینه‌های دولتی با استقراض از بانک مرکزی تأمین می‌شود بدهی‌های دولت به سیستم پولی افزایش پیدا کرده که این به نوبه خود پایه پولی و حجم پول را افزایش می‌دهد. بنابراین یک سیاست مالی انبساطی، عملکرد انبساطی پولی نیز به همراه دارد. سیاست‌های ضد نقیض نه تنها اقتصاد را به طرف اهداف مورد نظر سوق نمی‌دهند، بلکه باعث نامتعادل شدن اقتصاد و بروز پدیده‌هایی چون نرخ تورم بالا و یا کسری تراز حساب جاری می‌گردند. الف - اثر تغییرات هزینه‌های دولتی بر تراز تجاری و متغیرهای عمده کلان افزایش هزینه‌های دولت با گذر از کانال‌های مختلف می‌تواند بر تراز تجاری اثر بگذارد. همچنین منبع تأمین مالی هزینه‌های دولت و اثرات آن بر پایه پولی توضیح داده شد. در ایران بعد از انقلاب متوسط نرخ رشد هزینه‌های دولتی تقریباً ۱۸ تا ۲۰ درصد بوده است. نویسندگان فرض می‌کنند که استقراض از بانک مرکزی این افزایش را تأمین مالی می‌کند در مرحله اول رشد هزینه‌های دولتی باعث بالا رفتن حجم خالص

بدهی‌های دولت به بانک مرکزی و بنابراین رشد پایه پولی می‌گردد این افزایش، زمینه لازم برای رشد نقدینگی را در سیستم به همراه می‌آورد که تغییرات این متغیر مانند هزینه‌های دولتی اثرات ثانویه بر کل اقتصاد خواهد داشت. به طور مثال در تابع مصرف، مصرف جمعی بخش خصوصی تابعی از درآمد قابل تصرف و نقدینگی اسمی در نظر گرفته شده است که با توجه به رابطه مثبت بین نقدینگی با مصرف جمعی، سیاست مالی انبساطی موجب افزایش آنی مصرف بخش خصوصی می‌گردد. مضافاً، با بالا رفتن تقاضای کل درآمد واقعی کل به مقدار جزئی افزایش می‌یابد و این اثر از طریق بالا بردن درآمد قابل تصرف مصرف خصوصی را افزایش می‌دهد بالا رفتن حجم هزینه‌های دولتی به (ویژه هزینه‌های عمرانی) بر تقاضای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اثر مثبت دارد. از طرف، دیگر افزایش نقدینگی باعث رشد تقاضای کل و بالا رفتن قیمت‌ها اما افزایش ناچیز تولید می‌شود. این ترکیب از عملکرد انبساطی مالی و پولی دولت مطابق نتایج الگو شدیداً تورمی بوده به طوری که قسمت اعظم اثر افزایش هزینه‌های دولتی تورمی است و درصد ناچیزی از افزایش تقاضا به افزایش تولید می‌انجامد عملکرد انبساطی مالی موجب بالا رفتن هزینه‌های کل و نیز تغییر هزینه‌ها به سمت کالاهای مبادله‌ای (به واسطه بالا رفتن سطح قیمت‌های داخلی نسبت به قیمت‌های جهانی) می‌شود و برآیند اثر این دو موجب افزایش کسری در تراز تجاری اسمی و واقعی می‌گردد.

سیاست‌های مالی انبساطی ناشی از افزایش درآمد نفت، موجب افزایش قیمت نسبی کالاهای غیر مبادله‌ای به مبادله‌ای و افزایش سهم کالاهای غیر مبادله‌ای در تولید ناخالص داخلی گردیده است.

ب- اثر تقلیل اسمی ریال بر تراز تجاری و متغیرهای عمده کلان

پس از سال ۱۳۶۵، بانک مرکزی چندین بار به تقلیل ارزش اسمی ریال در برابر دلار مبادرت ورزید. از اهداف این سیاست، افزایش صادرات غیر نفتی و ایجاد انگیزش اقتصادی برای جایگزینی واردات و بهبود تراز تجاری بوده است. برای بررسی و تحلیل اثرات تقلیل ارزش اسمی ریال بر متغیرهای سیستم و شبیه سازی اثرات اعمال این سیاست از سال ۱۳۶۵ نویسندگان ریال را به طور دائمی ۵۰ درصد در مقابل دلار تقلیل می‌دهند. توجه به این نکته ضروری است که برای جداسازی اثرات سیاست تقلیل ریال با اثرات عملکرد مالی و پولی دولت، فرض می‌گردد که هزینه‌های دولت ثابت باشد. بنابراین، تقلیل ۵۰ درصد ارزش اسمی ریال ابتدا باعث افزایش قیمت‌های وارداتی، کاهش قیمت‌های صادراتی به واحد اسعار خارجی می‌شود. این تغییرات متعاقباً باعث افزایش صادرات غیر نفتی و کاهش واردات و در نتیجه باعث افزایش دائمی در تراز تجاری اسمی و واقعی می‌گردند. اثر تقلیل اسمی ریال به صورت ۵۰ درصد افزایش قیمت دلار که از سال ۱۳۶۵ به بعد به طور دائمی اعمال گردیده، تا سال ۱۳۶۸ باعث افزایش کسری تراز تجاری اسمی شده و از سال ۱۳۶۸ به بعد آثار بهبود در تراز تجاری اسمی ظاهر گردیده است. تقلیل ارزش اسمی ریال در ابتدا باعث کاهش مازاد (یا افزایش کسری) تراز تجاری و در دوره‌های بعدی باعث بهبود در تراز تجاری می‌گردد. اثر تقلیل اسمی ریال از طریق بالا رفتن قیمت‌های وارداتی و

قیمت جذب به کل اقتصاد منتقل می‌گردد. این تعدیل با کاهش دادن ارزش متغیرهای اسمی موجب کاهش تقاضای کل به ویژه مصرف بخش خصوصی می‌شود. بنابراین با فرض ثابت بودن سیاست‌های مالی و پولی سیاست تقلیل ارزش اسمی ریال می‌تواند باعث تغییر هزینه‌ها به سوی کالاهای داخلی و جذب عوامل تولید در بخش کالاهای مبادله‌ای گردد و در نتیجه موجب بهبود در تراز تجاری اسمی و واقعی شود. در الگوی ارائه شده، نقدینگی به عنوان تقریبی برای دارایی‌های، مالی در تابع مصرف بخش خصوصی وارد شده است تقلیل ارزش اسمی پول ارزش واقعی دارایی‌های مالی را کاهش می‌دهد. افزایش سطح قیمت‌ها ارزش واقعی هزینه‌های دولتی را نیز کاهش داده و موجب افزایش برخی از اقلام درآمد دولتی خصوصاً مالیات بر واردات می‌گردد. بنابراین تقلیل اسمی، پول اثر کاهش هزینه نسبتاً محدودی نیز دارد. تقلیل اسمی اثر زیادی بر سطح قیمت‌ها وارد نمی‌سازد و بنابراین پیامدهای تورمی محدودی دارد. اثرات سیاست همزمان انبساط مالی و تقلیل اسمی نشان داده شده است نکته بسیار جالب توجه آن است که عملکرد انبساطی دولت اثرات مثبت سیاست تقلیل اسمی پول را نه فقط خنثی می‌سازد بلکه به واسطه ایجاد فشارهای تورمی (علاوه بر فشار سطح قیمت‌ها به خاطر تقلیل اسمی) موجب افزایش کسری تراز تجاری می‌گردد. این نکته در توضیح و توجیه علل عدم توفیق سیاست آزاد سازی ارزی بسیار مهم است. در کشور ما آزاد سازی ارزی با عملکرد انبساطی مالی و پولی مصادف شد و بنابراین موجب بالارفتن فشارهای تورمی و رشد محدود در صادرات نفتی گردید. چنانچه سیاست‌های مالی و پولی، منضبط، تعدیل نرخ ارز را همراهی می‌کرد سیاست آزاد سازی، در تحقق اهداف خود موفق‌تر می‌بود، به این معنا که تورم پایین‌تر و نرخ رشد صادرات غیر نفتی بیشتری تجربه می‌گردد.	
اقتصاددانان مکتب کلاسیک معتقدند که تورم یک پدیده پولی بوده و رشد نقدینگی عامل اصلی بروز آن می‌باشد بطوری، که در بلند مدت پول خنثی است. در میان اقتصاددانان کلاسیک پولگرایان مکتب انتظارات عقلایی، که به پولگرایان مکتب شماره (II) معروف هستند، معتقدند که عقلایی بودن انتظارات باعث می‌گردد که پول در بلندمدت خنثی بوده و حتی در کوتاه مدت آن قسمت از پول که رشد آن قابل پیش‌بینی، باشد خنثی خواهد بود. بکارگیری آزمون یوهنسن توسط نویسندگان نشان می‌دهد که رشد پول و تورم همگرا می‌باشد. برای آزمون خنثایی پول از محدودیت‌های کاملاً مشخص و بیش از حد مشخص استفاده گردیده و معلوم شد که پول در دراز مدت خنثی می‌باشد. در نهایت پیشنهاد شده است که سیاست‌گذاران اقتصادی، هنگام اتخاذ سیاست‌های خویش، بایستی نقش عقلایی بودن انتظارات را در نظر گرفته و از طرف دیگر، بانک مرکزی نیز در هنگام اتخاذ سیاست‌های پولی استقلال داشته و جبران کسری مالی دولت از طریق کانال‌های دیگری غیر از افزایش نقدینگی صورت گیرد.	کازرونی، علیرضا؛ اصغری، برات (سال ۱۳۸۱). آزمون مدل کلاسیک تورم در ایران: روش همگرایی ۴

از مشکلات اقتصادی بسیار مهم در ایران، طی چند دهه اخیر می‌توان به پدیده تورم همراه با بیکاری و یا به عبارت، دیگر رکود تورمی اشاره کرد که باعث گردیده رابطه جانشینی بین تورم و بیکاری به راحتی میسر نباشد در چنین شرایطی اجرای سیاست‌های پولی و مالی برای تحقق اهداف سیاست‌گذار با مشکل مواجه شده و نیاز به سیاست‌های زیربنایی و متفاوت از سیاست‌های معمول دارد.

شواهد نشانگر این است که سیاست‌گذاران نه تنها به هدف خود که همانا تثبیت قیمت‌ها، کاهش عدم اطمینان اقتصادی و از میان بردن بیکاری است دست نیافته؛ بلکه با اعمال سیاست‌های نادرست خود موجب شدت یافتن نابسامانی‌ها گردیده‌اند. در نهایت، تورم، موجود به تورم مزمن تبدیل شده و آن هم از طریق شکل‌گیری انتظارات تورمی به شتابان بودن تورم کمک کرده است.

در این میان حجم پول، به عنوان یک متغیر عمده اقتصادی کلان و نیز یکی از ابزارهای اصلی سیاست‌های دولت می‌باشد که جهت مهار تورم به کار گرفته می‌شود. این مطلب، تقریباً، یکی از اصول پذیرفته شده تمام مکاتب اقتصادی است ولی در مورد تاثیر حجم پول بر روی تولید و قیمت‌ها اختلاف ریشه دار و متعددی بین مکاتب مختلف اقتصادی وجود دارد. به اعتقاد پولگرایان در چنین شرایطی افزایش عرضه پول در دراز مدت منجر به تورم شده و تأثیری بر رشد محصول نخواهد داشت.

بخش سوم: مکانیزم غلط تخصیص منابع و امکانات کشور

نظریاتی که در باب تشریح علل تورم در بخش اول به آن‌ها پرداخته شد، با فرض تخصیص بهینه به کمک مکانیزم بازار آزاد ارائه شده‌اند. یکی از مشکلاتی که اقتصاد ایران با آن مواجه است و کمتر به آن توجه می‌شود، مکانیزم‌های تخصیص منابع اقتصاد ایران است که عمدتاً با ابزارهایی مانند سهمیه بندی و یا قیمت گذاری دستوری جایگزین مکانیزم بازار آزاد شده‌اند در نتیجه استفاده از قیمت گذاری دستوری تخصیص منابع شکل درستی در اقتصاد ایران انجام نمی‌شود. به عبارت دیگر بخش قابل توجهی از امکانات و منابع جامعه اتلاف می‌شوند. به طور مثال دولت‌ها در اقتصاد ایران بعضاً با نیت خیر خواهانه آب را با قیمتی بسیار ارزان تر از قیمت واقعی آن در اختیار کشاورزان قرار داده‌اند. همین مسأله صادرات هندوانه از مبادا ایران را اقتصادی کرده است.

جدول (۱۵) زیان تمام شده صادرات یک کیلوگرم هندوانه را نشان می دهد.

جدول (۱۵) زیان تمام شده صادرات یک کیلوگرم هندوانه		
ردیف	شرح (درآمد/هزینه)	قیمت
۱	قیمت صادراتی یک کیلوگرم هندوانه ^۱	۲۲ سنت
۲	کسر می شود (بهای آب لازم برای تولید یک کیلوگرم هندوانه به قیمت واقعی) ^۲ (به ازای تولید یک کیلوگرم هندوانه نیاز به ۱۵۰ لیتر آب است) ^۳ (بهای آب به ازای یک متر مکعب = ۲.۳۷)	$۰.۳۶ = ۱۵۰ * ۰.۰۰۲۳۷$ دلار
۳	اضافه می شود قیمت فروش آب بنابر قیمت دستوری مصوب ^۴ = ۲۰۰۰ ریال به ازای یک متر مکعب)	$۰.۰۰۰۶ = ۱۵۰ * ۰.۰۰۰۰۴$ دلار
۴	کسر می شود خالص بهای آب لازم	$۰.۳۵ = ۰.۰۰۰۶ - ۰.۳۶$ دلار
۵	زیان ناشی از صادرات یک کیلوگرم هندوانه دلار	$۰.۱۳ = ۰.۲۲ - ۰.۳۵$ دلار
۶	زیان ناشی از صادرات یک کیلوگرم هندوانه تومان (با فرض هر دلار معادل ۵۰ هزار تومان)	۶۷۴۵ تومان
۷	زیان ناشی از صادرات در سال ۲۰۲۲ میزان صادرات در سال ۲۰۲۲ = ۹۲۷,۹۶۲ تن	<u>۶۲۵۹ میلیارد تومان</u>
منبع: یافته های پژوهش		

همانگونه که ملاحظه می شود ایران یکی از معدود اقتصادهای است که در آن مفاهیم مانند زیان حاصل از صادرات مطرح است. بنابراین یکی از عوامل مؤثر بر تورم ایران تخصیص غلط منابع است که ریشه در قیمت گذاری دستوری دارد.

^۱ - یافته های پژوهش- www.trademap.org

^۲ - <https://www.numbeo.com>

^۳ -

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/02/15/2705682/%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%AA%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AF-%D9%87%D8%B1-%DA%A9%DB%8C%D9%84%D9%88-%D9%87%D9%86%D8%AF%D9%88%D8%A7%D9%86%D9%87-%D9%88-%D8%AE%D8%B1%D8%A8%D8%B2%D9%87-%DA%86%D9%86%D8%AF-%D9%84%DB%8C%D8%AA%D8%B1-%D8%A2%D8%A8-%D9%85%D8%B5%D8%B1%D9%81-%D9%85%DB%8C-%D8%B4%D9%88%D8%AF>

^۴ - استعلام از سازمان آبفا استان اصفهان

اینفوگرافیک (۱) تأثیرات قیمت گذاری دستوری بر تورم را نشان می دهد:

اینفوگرافیک (۱) تأثیرات قیمت گذاری دستوری بر تورم



منبع: یافته های پژوهش

همان گونه که شکل بالا نشان می دهد سیاست قیمت گذاری دستوری درآمد تولیدکننده را سرکوب می کند که این امر باعث کاهش سود فعالیت های مولد می شود. کاهش سود فعالیت های مولد دو پیامد به دنبال دارد:

الف- بخشی از کارخانجات، پروژه های صنعتی و طرح های توسعه تعطیل می شوند. بخشی دیگر از پروژه های صنعتی و تولیدی با حاشیه سود کمتر ادامه فعالیت می دهند. کاهش حاشیه سود ارزش بنگاه های تولید را کاهش داده و آن ها را تضعیف می کند. به دنبال آن « تقاضای تسهیلات و اعتبارات بانکی » برای جبران کاهش

حاشیه سود (و کاهش سرمایه در گردش) افزایش می‌یابد. افزایش فشار بر سیستم بانکی برای اعطای تسهیلات موجب افزایش مصارف پایه پولی و نقدینگی می‌شود که افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم را در پی دارد. ب- بازار فعالیتهای غیر مولد به نسبت بازار فعالیتهای مولد جذاب‌تر می‌شود زیرا بازدهی نسبی آنها به نسبت بازدهی فعالیتهای مولد افزایش پیدا می‌کند. این موضوع التهاب در بازارهای دارایی (مسکن و املاک، دلار، طلا، ارز و خودرو و...) را افزایش می‌دهد. سپس افزایش ریسک و عدم اطمینان از بازارهای دارایی به سایر بازارها سرایت می‌کند که به مرور نااطمینانی را در اقتصاد کلان افزایش می‌دهد. در سایه تاریک نا اطمینانی‌ها بر بازار کالا و خدمات انتظارات تورمی افزایش می‌یابد که افزایش تورم را در پی دارد.

بخش چهارم- مشکلات ارزی و تورم

سرکوب نرخ ارز و برهم خوردن تخصیص فنی و اقتصادی منابع

برخی صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران پولی کشور مدیریت (یا نظارت بر) بازار ارز را به اشتباه به منزله برنامه‌ریزی برای عرضه و تقاضای ارز تلقی می‌کنند، بنابراین کنترل نرخ ارز از این طریق را یک دستاورد مثبت می‌دانند در حالی که بخش زیادی از مصارف بهینه ارزی کشور در نتیجه تخصیص بهینه اقتصادی و تخصیص بهینه فنی در بخش تولید تعیین می‌شود. دخالت سیاست‌گذار پولی از طریق سهمیه‌بندی مصارف ارزی مستقیماً تخصیص بهینه فنی و اقتصادی نهادهای مورد استفاده در کارخانه‌های تولیدی را که حاصل سالیان طولانی تجربه، مهارت، آموزش و انتقال تکنولوژی است بر هم می‌زند. با توجه به اینکه تخصیص بهینه فنی و اقتصادی تولید در نتیجه سهمیه‌بندی مصارف ارزی بر هم می‌خورد نهادهای تولیدی زیادی اتلاف می‌شوند. اما اتلاف منابع ناشی از دخالت دولت در بازار ارز منحصر به بخش واقعی اقتصاد نیست و در ادامه توضیح داده خواهد شد که چگونه سبب اتلاف منابع ارزی کشور نیز می‌شود (صادقی همدانی^۱، ۱۳۹۷).

نرخ ارز به صورت قیمت پول رایج یک کشور بر حسب قیمت پول رایج کشور دیگر تعریف می‌شود. نرخ ارز تعادلی نرخ است که در آن بازار ارز تسویه می‌شود یعنی به واسطه مبادلات ارزی در آن نرخ مازاد تقاضایی وجود نخواهد داشت. تخصیص ارز بر اساس برنامه‌ریزی برای عرضه یا سهمیه‌بندی تقاضا همواره موجب می‌شود بازار نامتعادل شود چرا که در هر نرخی غیر از نرخ تعادلی بازار تقاضا و عرضه برابر نخواهند بود. به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری ارزی کشور در چند ماه اخیر از نوع برنامه‌ریزی عرضه و سهمیه‌بندی تقاضا از طریق ابلاغ بخشنامه‌های مختلف به نهادها و وزارتخانه‌های ذی‌ربط بوده است. بخشنامه‌های جدید درخصوص نحوه معاملات ارزهای بانکی، نیمایی، حاصل از صادرات خود و حاصل از صادرات غیر و شمول کالاهای جدید ذیل اولویتهای ۱، ۲ و ۳ مرتباً شیوه‌های جدیدی را معرفی می‌کنند که تجار، صراف‌ها و حتی سیستم بانکی را

^۱ - صادقی همدانی، علی (۱۳۹۷) عواقب سیاست‌های مداخله‌ای در بازار ارز، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۴۸۶

دچار سردرگمی کرده است. صرف نظر از تفاوت‌هایی که این بخشنامه‌ها با یکدیگر دارند، به نظر می‌رسد همگی آنها هدف مشترکی را دنبال می‌کنند و آن سرکوب نرخ ارز و جلوگیری از خروج سرمایه از کشور است. بانک مرکزی با هدف سرکوب نرخ، تخصیص ارز به کلیه واحدهای تولیدی و صنعتی را بر اساس نظام سهمیه‌بندی انجام می‌دهد. طبیعی است که نظام سهمیه‌بندی توان لازم را برای تسویه بازارها ندارد و در نرخ‌های ارزی که در سایه تخصیص بر اساس نظام برنامه‌ریزی شکل می‌گیرد به بخش زیادی از تقاضای ارز در بازار پاسخ داده نمی‌شود. به عبارت دیگر متقاضیان زیادی وجود دارند که در نرخ‌های موجود به ارز مورد نیازشان دسترسی پیدا نمی‌کنند. در واقع نرخ واقعی ارز به دلیل اختلالات و نواقص بازار شکل نمی‌گیرد. بنابراین، نرخ‌های موجود به هیچ وجه نمی‌توانند منعکس‌کننده واقعیات اقتصادی کشور باشند. نرخ ارزهای اسکناس هم نمی‌توانند بیانگر تحولات واقعی بازار ارز باشند، چراکه سهم قابل توجهی از کل معاملات ارزی را تشکیل نمی‌دهد. آنچه تعیین‌کننده نرخ ارز تعادلی است بر اساس کنش متقابل عرضه صادرات و تقاضای واردات شکل می‌گیرد. هرچه تراز تجاری یک اقتصاد بیشتر باشد نرخ‌های ارز در آن اقتصاد به‌طور طبیعی پایین تر خواهد بود. اگر نرخ‌های ارز به‌طور طبیعی گرایش به افزایش دارند به دلیل بی‌توجهی به مزیت‌های صادراتی کشور به ویژه صادرات غیر نفتی بوده است. استمرار سرکوب نرخ‌های ارز از طریق برنامه‌ریزی عرضه ارز و سهمیه‌بندی مصارف ارزی علاوه بر آنکه انگیزه‌های صادرکنندگان را از بین می‌برد، باعث جهش پرفشارتر نرخ در فرآیند دینامیک بازار ارز خواهد شد.

یکی از مصادیق دخالت دولت و بانک مرکزی در سمت عرضه ارز مکلف کردن صادرکنندگان برای عرضه ارز خود در سامانه نیما است که سبب خروج سرمایه از کشور شده است. این نوع از خروج سرمایه از اقتصاد کشور گرچه در آمار رسمی تراز پرداخت‌ها ممکن است خود را نشان ندهد اما در عمل به‌طور غیر رسمی در حال وقوع است. با توجه به اینکه نرخ نیما از نرخ واقعی ارز فاصله دارد بسیاری از معاملات ارز در سامانه نیما جنبه صوری پیدا کرده است. به این معنا که صادرکننده ارز ناشی از صادرات را در خارج از کشور به صراف می‌فروشد و از آنجا که در سامانه نیما ارزی برای عرضه ندارد طی یک تبانی با صراف و خریدار ارز از صراف می‌خواهد که ارز را با نرخ واقعی به متقاضی ارز بفروشد. این نرخ برابر است با نرخ نیمایی + نرخ که از طریق زیرزمینی بین صراف (یا عرضه‌کننده ارز) و خریدار ارز توافق می‌شود. آنچه در دفاتری که به اداره امور مالیاتی گزارش می‌شود نرخ نیمایی است که به ظاهر مستند به فاکتوری است که توسط سامانه نیما صادر می‌شود، اما در عمل آنچه تحقق پیدا می‌کند و در دفاتر دوم صراف و خریدار ارز ثبت می‌شود نرخ واقعی ارز است که به‌صورت غیر رسمی بین طرفین توافق می‌شود. مقدار واقعی نرخ ارز واقعی غیر قابل انکار است و همچنان که توضیح داده شد تلاش‌ها برای سرکوب آن گرچه با هدف جلوگیری از خروج سرمایه از کشور صورت می‌پذیرد اما در عمل منجر به خروج سرمایه از کشور می‌شود حتی اگر به‌طور رسمی گزارش نشود.

به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران پولی و ارزی کشور باید به بخش واقعی اقتصاد و تاثیرات سیاست‌های ارزی بر آن توجه تخصصی‌تری داشته باشند. دخالت بانک مرکزی و دولت در بازار ارز تنها باعث برهم خوردن تخصیص بهینه ارز و تخصیص بهینه فنی و اقتصادی در بخش تولید می‌شود که تبعاتی نظیر خروج سرمایه از کشور و اتلاف منابع را به دنبال دارد. این یادداشت به هیچ وجه حق بانک مرکزی برای مدیریت و نظارت بر بازار ارز از طریق خرید و فروش ارز را نهی نمی‌کند، اما بر لزوم تفاوت قائل شدن بین نظارت یا مدیریت با دخالت و برنامه‌ریزی متمرکز تاکید می‌کند. حفظ ارزش پول ملی در مقابل پول‌های خارجی هدف والایی است که باید در یک پروسه بلندمدت که شامل راهکارهایی مانند رفع موانع کسب و کار و مشکلات پیش روی تولیدکنندگان و صادرکنندگان است دنبال شود، نه بر اساس اقدامات شتاب زده احساسی کوتاه مدت.

نظریه برابری قدرت خرید^۱

بر اساس این تغییرات نرخ ارز بستگی به ما به تفاوت تورم دو کشوری دارد که ارزش پول آنها بر اساس یکدیگر سنجیده می‌شود. به عنوان مثال، قیمت دلار در ایران به مابه تفاوت تورم ایران و ایالات متحده امریکا بستگی دارد. یا اینکه قیمت یورو در ایران به ما به تفاوت تورم ایران و اتحادیه اروپا دارد. این موضوع را بطور خلاصه در رابطه زیر می‌توان نشان داد:

$$S = \frac{P_1}{P_2}$$

$$\ln(S) = \ln P_1 - \ln P_2$$

$$\dot{S} = \dot{P}_1 - \dot{P}_2 \quad (۶)$$

که در آن:

$$\dot{S} = \text{نرخ ارز}$$

$$\dot{P}_1 = \text{سطح قیمت در کشور اول}$$

$$\dot{P}_2 = \text{سطح قیمت در کشور دوم}$$

می‌باشند. همانگونه که رابطه (۶) نشان می‌دهد به هر میزانی که تورم کشور اول از تورم کشور دوم بیشتر باشد، ارزش پول ملی کشور اول در برابر ارزش پول ملی کشور دوم کاهش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، هر چه تورم کشور اول از تورم کشور دوم بیشتر باشد، نرخ برابری پول کشور دوم بر حسب پول کشور اول کاهش پیدا می‌کند.

^۱ - Purchasing Power Parity

برای درک بهتر ارتباط تورم و نرخ ارز به مثال‌های پیشین باز می‌گردیم. از آنجایی تورم در اقتصادهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا بسیار ناچیز است، بنابراین می‌توان از آنها در برابر تورم ایران چشم‌پوشی نمود. به عبارت دیگر، تغییرات قیمت دلار و یورو به تورم ایران بستگی دارد. پس می‌توان رابطه (۷) را به صورت زیر بازنویسی نمود:

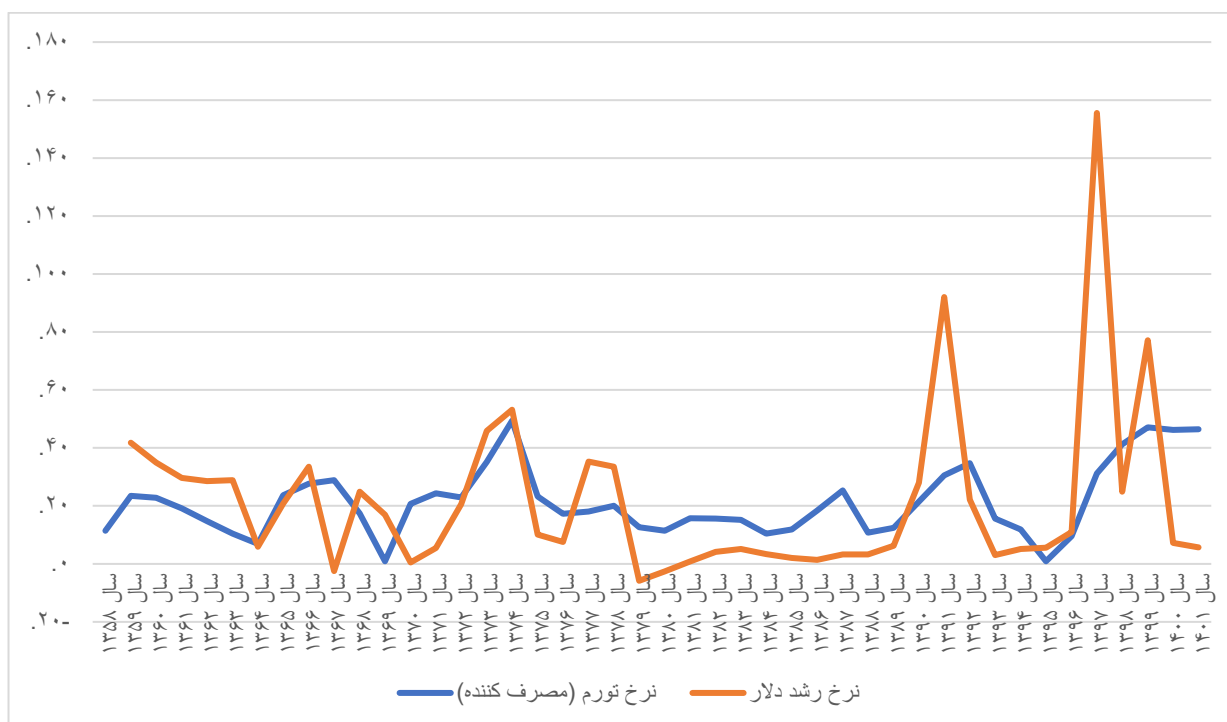
$$\dot{S} = P1 \quad (7)$$

همانگونه که رابطه (۷) نشان می‌دهد نرخ دلار و یورو بر حسب ریال ایران به تورم ایران بستگی دارد. به نحوی که هر چه تورم ایران بیشتر باشد قیمت دلار و یورو در ایران افزایش پیدا می‌کند. یکی از دلایلی که نرخ‌های ارز مانند دلار و یورو بر حسب ریال ایران همواره در حال افزایش بوده‌اند به تورم دو رقیمی اقتصاد ایران در چهار دهه اخیر برمیگردد. در واقع دولت با بی‌انضباطی پولی و مالی موجب شکل‌گیری تورم شده است و تورم ارزش پول ملی را کاهش داده است که کاهش قدرت خرید پول ملی را در پی داشته است.

تورم وارداتی

بخشی از تورم در ایران از نوع تورم وارداتی است. به دلایلی مانند وضعیت نامساعد کسب و کار، تحریم‌ها و نبود زیرساخت‌های کافی هر ساله کشور به ناچار میزان قابل توجهی کالای مصرفی وارد می‌کند. بهای تمام شده این کالاهای مصرفی وارداتی تابعی از نرخ ارز (قیمت دلار و یورو) است. در قسمت قبلی توضیح دادیم که چگونه افزایش نرخ تورم در ایران باعث افزایش نرخ ارز مانند قیمت دلار و قیمت یورو می‌شود. در این قسمت نیز توضیح دادیم که چگونه افزایش نرخ ارز باعث افزایش بهای تمام شده کالاهای وارداتی مصرفی می‌شود. افزایش بهای تمام شده کالاهای مصرفی به منزله افزایش قیمت بسیاری از کالاهای وارداتی است. بطور خلاصه بی‌انضباطی و سومدیریت دولت‌های ایران در سیاست‌گذاری پولی و مالی باعث شده است تا دولت‌ها موجب بوجود آمدن تورم دو رقیمی در طول چهار دهه پیشین شوند. این تورم دو رقیمی باعث افزایش نرخ ارز می‌شود و افزایش نرخ ارز باعث افزایش تورم وارداتی می‌شود که موجب افزایش تورم می‌شود. نمودار (۸) سری‌های زمانی نرخ تورم و نرخ ارز را از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۴۰۱ به تصویر کشیده است.

نمودار ۸. بررسی رابطه نرخ تورم و نرخ رشد ارز بین سال ۱۳۵۸ الی ۱۴۰۱



منبع: بانک مرکزی و محاسبات پژوهش

همانگونه که ملاحظه می‌شود بین نوسانات نرخ ارز (قیمت دلار بر حسب ریال) و نرخ تورم همبستگی قابل توجه وجود دارد. به عبارت دیگر، بنظر می‌رسد هرگونه تغییر در نرخ ارز به شدت بر نرخ تورم تأثیر گذاشته است. همچنین، هرگونه تغییر نرخ تورم به شدت موجب افزایش نرخ ارز شده است. درک تأثیرات متقابل نرخ ارز و نرخ تورم حاوی دلالت‌های بسیار مهمی در سیاست‌گذاری پولی، سیاست‌گذاری ارزی و رعایت انضباط مالی دولت‌ها می‌باشد.

بخش پنجم - عوامل مؤثر بر تورم در بخش تولید و توزیع (ارتباط بین شاخص تورم مصرف کننده و شاخص تولید تورم تولید کننده)

عوامل مؤثر بر شاخص تورم کالاهای مصرفی در بخش تولید

یکی از راههای پیش‌بینی تورم کالا و خدمات مصرفی در دوره‌های زمانی پیش‌رو، ارزیابی وضعیت تورم تولید کننده در دوره کنونی است. تولید کنندگان نهاده‌های تولیدی مورد نیاز را با هدف تولید محصول از بازار مواد اولیه تهیه می‌نمایند. سپس، به کمک تجهیزات، ماشین آلات و با توجه به روش و تکنولوژی تولید ترکیب می‌کنند. تا اینجا، بهای تمام شده محصول برابر است با هزینه نیروی انسانی + هزینه مواد اولیه و مصرفی + هزینه تأمین تجهیزات و ماشین آلات + هزینه دانش مورد استفاده (Know-how). سپس سود مورد انتظار

را به بهای تمام شده اضافه نموده و قیمت تولید کننده شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، قیمت تولید کننده برابر است با بهای تمام شده محصول + سود.

جدول (۱۶) بطور خلاصه عوامل مؤثر بر قیمت تولید کننده را به تصویر کشیده است:

جدول (۱۶): عوامل مؤثر بر قیمت تولید کننده		
ردیف	شرح	توضیحات
۱	هزینه منابع انسانی	بهای تمام شده محصول (مجموع ردیف‌های ۱ تا ۴)
۲	هزینه مواد اولیه و مصرفی	
۳	هزینه تجهیزات و ماشین آلات	
۴	هزینه خرید تکنولوژی مورد استفاده (Know-how)	
۵	سود تولید کننده	قیمت تولید کننده (مجموع ردیف‌های ۱ تا ۵)

منبع: یافته‌های پژوهش

محصول تولید شده از طریق شبکه توزیع و عرضه در اختیار مصرف کننده قرار می‌گیرد. لذا قیمت مصرف کننده از حاصل جمع قیمت تولید کننده + سود شبکه توزیع و عرضه کالا تعیین می‌شود. جدول (۱۷) بطور خلاصه عوامل تشکیل دهنده قیمت مصرف کننده را خلاصه کرده است:

جدول (۱۷): عوامل تشکیل دهنده قیمت مصرف کننده	
ردیف	شرح
۱	قیمت تولید کننده
۲	سود شبکه توزیع
۳	سود شبکه عرضه

منبع: یافته‌های پژوهش

از آنجایی که توزیع و عرضه کالا فرآیندی زمان‌بر است، هرگونه تغییر محسوس بر هزینه‌ها و قیمت تولید کننده با یک وقفه زمانی به قیمت مصرف کننده منتقل می‌شود. برای درک بهتر این موضوع، فرض کنید در دوره زمانی t به هر دلیلی مثلاً اعمال تحریم ضربه‌ای به بازار نهاده‌های تولیدی وارد شود. در نتیجه قیمت مواد اولیه مصرفی، تجهیزات و ماشین آلات و هزینه خرید تکنولوژی در زمان t افزایش می‌یابد. پس می‌توان انتظار داشت قیمت مصرف کننده در زمان‌های $t+1$ و $t+2$ و پس از آن افزایش پیدا کند. این افزایش قیمت تا جایی ادامه پیدا خواهد کرد که اثر آن ضربه (مثلاً تحریم) بطور کامل تخلیه شود. جدول (۱۸) برخی راهکارها که می‌تواند در بخش تولید اعمال شود و از طریق آنها از افزایش تورم مصرف کننده جلوگیری شود را به طور خلاصه به نمایش درآورده است:

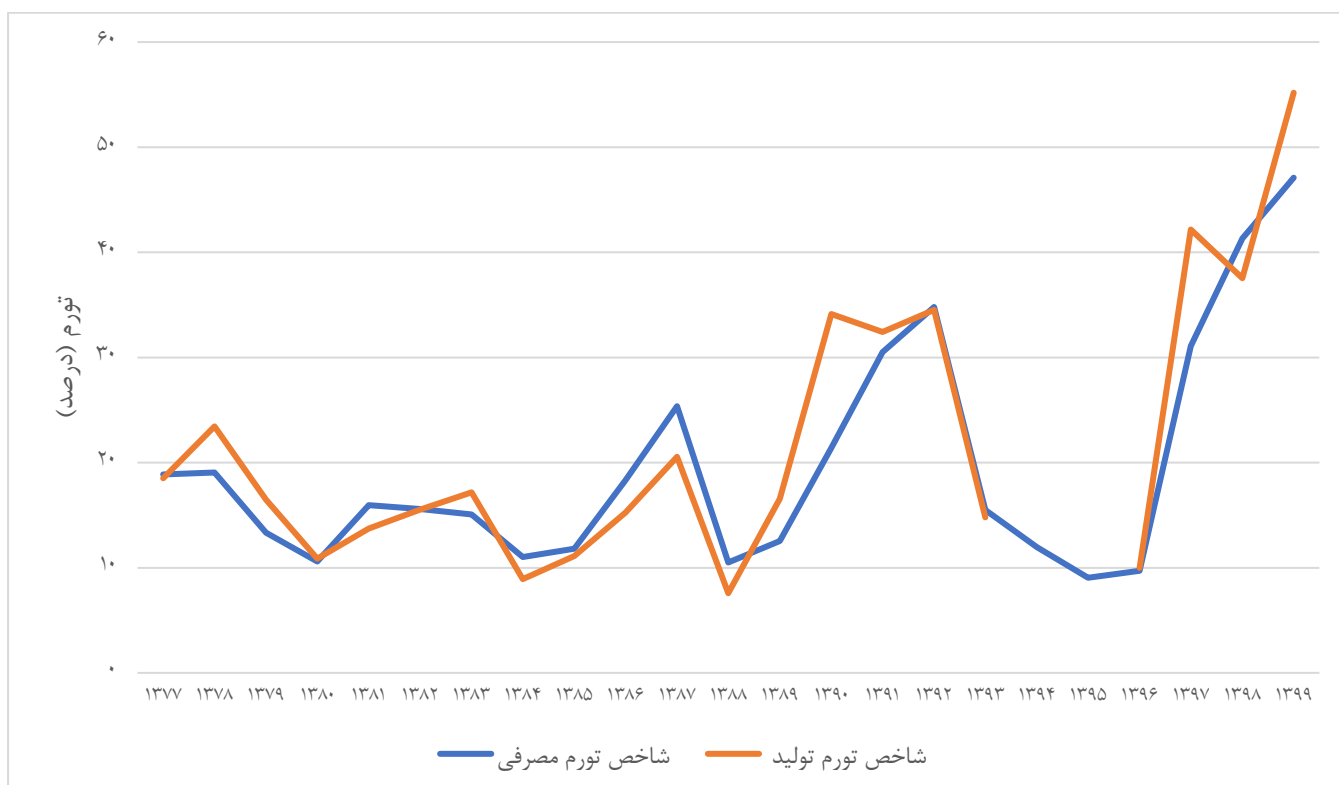
جدول (۱۸): مهمترین علل تورم مصرف کننده در بخش تولید و راهکارهای کنترل تورم مصرفی در بخش تولید		
ردیف	برخی علت‌ها	برخی راهکارهای ثبات قیمت تولید کننده
۱	وضعیت نامساعد کسب و کار	تسهیل دسترسی به بازارهای داخلی و بین المللی مواد اولیه
۲	امنیت سرمایه‌گذاری	دسترسی به بازارهای داخلی و بین المللی ماشین آلات و تجهیزات
۳	بوروکراسی اداری	ارتباط با کانون‌های فناوری بین المللی
۴	هزینه بالای تأمین مالی	ارتباط با نظام بانکی بین المللی

پس نتیجه می‌گیریم هرگونه اختلال در نظام تولید مانند وضعیت نامساعد کسب و کار، امنیت سرمایه‌گذاری، بوروکراسی اداری، هزینه بالای تأمین مالی و امثالهم باعث افزایش تورم مصرف کننده با یک وقفه زمانی کوتاه می‌شود. یکی از راههای درمان تورم رفع موانع تولید و کمک به ثبات قیمت تولید کننده از طریق تسهیل دسترسی به بازارهای داخلی و بین المللی مواد اولیه، دسترسی به بازارهای داخلی و بین المللی ماشین آلات و تجهیزات، همچنین دسترسی به کانون‌های فناوری بین المللی و ارتباط با نظام بانکی بین المللی است.

بررسی آمار سری زمانی شاخص تورم مصرف کننده و تولید کننده در ایران

در این بخش آمار شاخص تورم مصرف کننده و تولید کننده ایران را در طول زمان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نمودار ۹. شاخص‌های تورم کالا و خدمات مصرفی و تولیدی در فاصله زمانی بین سال‌های ۱۳۷۷ الی ۱۳۹۹



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

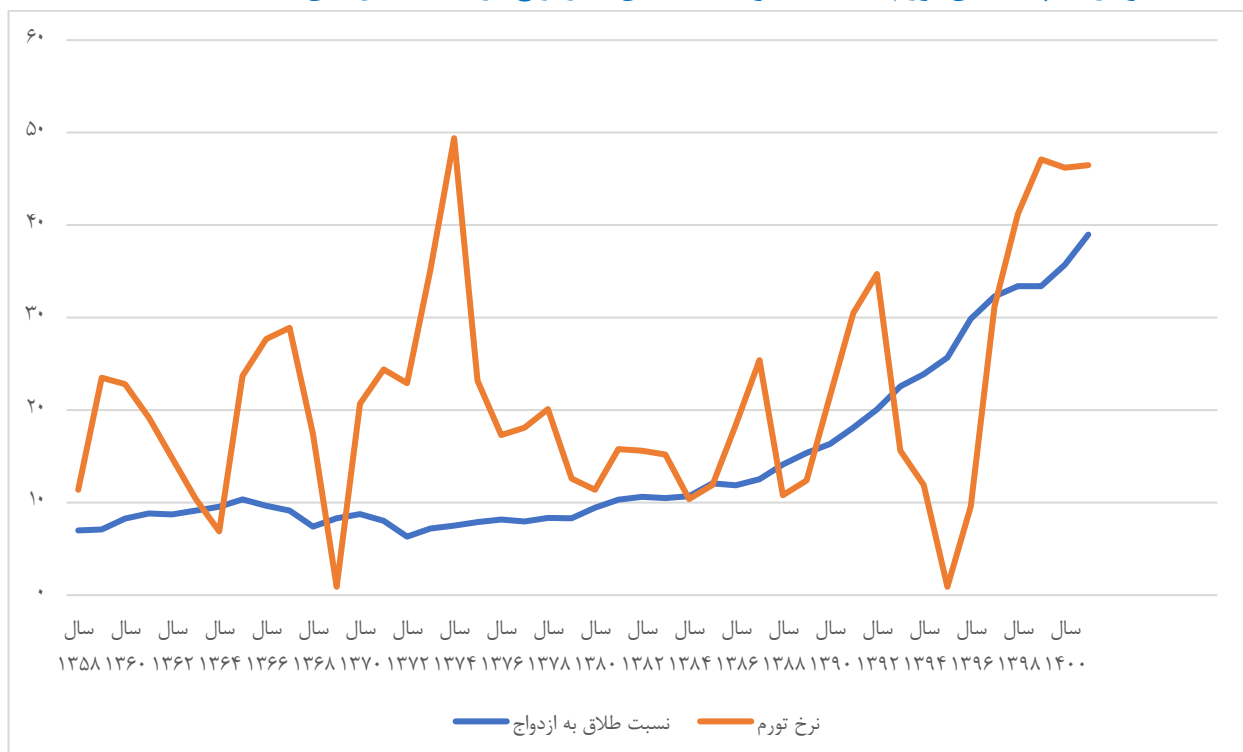
همانگونه که نمودار (۹) نشان می‌دهد بین شاخص تورم مصرف کننده و شاخص تورم تولید کننده ارتباط بسیار معناداری و مستحکمی وجود دارد. به بیان دیگر، نوسانات شاخص تورم مصرف کننده به شدت تحت تأثیر شاخص تورم تولید کننده است و با هر تکانه‌ای به عناصر تشکیل دهنده‌ی قیمت تولید کننده که در جدول (۱۷) به تصویر کشیده شد و یا با هر تکانه به عوامل مؤثر بر شبکه عرضه و توزیع کالا مانند بخش حمل و نقل تورم مصرف کننده به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. لذا بنظر میرسد **برای تحقق هدف مهار تورم ایجاد ثبات در قیمت تولید کننده از طریق بهبود فضای کسب و کار، توسعه زیر ساخت‌ها بویژه در بخش حمل و نقل، ایجاد ثبات سیاسی و رفع تحریم‌ها، تسهیل دسترسی به بازارهای مواد اولیه، تجهیزات، ماشین آلات و نظام بانکی-مالی بین المللی، توسعه شبکه توزیع و عرضه کالا بویژه شبکه ریلی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.**

تبعات تورم بر ناهنجاری‌های جامعه

هیچ پدیده‌ای مانند تورم بنیان‌های اخلاقی جامعه را متزلزل نمی‌کند. جان مینارد کینز به عنوان یکی از برجسته‌ترین اقتصاددانان قرن بیستم می‌گوید: «اگر می‌خواهید ملتی را نابود کنید، کم هزینه‌ترین، راحت‌ترین و پنهان‌ترین ابزار تورم است. یک تورم بلندمدت ایجاد کنید زیرا آرام تمام بنیان‌های اخلاقی و اقتصادی آن ملت نابود می‌شود».

بنابه آمار اقتصادی به استثنای سه سال، از سال ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۲ تورم ایران دو رقمی بوده است. به بیان دیگر، برای بیش از چهار دهه تورم دورقمی به اقتصاد و ملت وارد شده است. نمودار (۱۰) با هدف تمرکز بر پیامدهای تورم بلند مدت بر بنیان‌های اخلاقی جامعه ارتباط بین تورم و نسبت طلاق به ازدواج را به تصویر کشیده است.

نمودار ۱۰. پیامدهای تورم بلند مدت بر نسبت طلاق به ازدواج در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۱



منبع: مرکز آمار ایران، بانک مرکزی ایران و محاسبات پژوهش

همانگونه که نمودار (۱۰). نشان می دهد روند نسبت طلاق/ازدواج در طول زمان رو به افزایش بوده است. به نظر می رسد آمار طلاق به نسبت ازدواج همگام با روند صعودی تورم افزایش یافته است. با فرض ثبات سایر عوامل انتظار می رود استمرار تورم دور قمی موجب روند فزاینده نسبت طلاق به تعداد ازدواج باشد.

نتیجه گیری و توصیه های سیاستی

متوسط نرخ رشد اقتصادی از سال ۱۳۶۸ تا سال جاری حدود ۳.۵٪ بوده است. متوسط رشد نقدینگی از سال ۱۳۶۸ تا سال جاری حدود ۲۸٪ بوده است. بنابراین طبق انتظار متوسط نرخ تورم از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۴۰۱ برابر ۲۲٪ بوده است. یعنی به دلیل بی انضباطی و سومدیریت پولی در بانک مرکزی از سال ۱۳۶۸ تاکنون به طور متوسط قدرت خرید پول ملی ۲۲٪ ارزش خود را از دست داده است. وقت آن رسیده است که دولت در خصوص کنترل تصمیمات جدی اتخاذ کند و رشد نقدینگی را متناسب با رشد تولید تنظیم کند.

دولت در آذرماه نرخ رشد نقدینگی را به ۲۷٪ کاهش داده است و برای متوسط رشد نقدینگی سال ۱۴۰۲ عدد ۲۵٪ را هدف گذاری کرده است. برای نخستین بار در سال های اخیر در آذرماه میزان رشد نقدینگی از متوسط رشد نقدینگی پایان جنگ تاکنون کمتر شده است. اما هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب و تک رقمی شدن تورم فاصله زیادی داریم. برای نیل به این هدف باید برای مدت قابل توجهی نرخ رشد درآمدی و نرخ رشد نقدینگی متناسب با یکدیگر رشد کنند (ترجیحاً برابر)

- جلالی نایینی، سیداحمد رضا و خیابانی. (۱۹۹۷). اثر متغیرهای کلان بر تراز تجاری ایران. پژوهشنامه بازرگانی ۳(۱)، ۵۴-۱.
- صادقی همدانی، علی (۱۳۹۶). کاهش قدرت خرید پول ملی، نقض قرارداد اجتماعی و بی عدالتی؛ ماهنامه اقتصادی، اجتماعی افق فردا
- صادقی همدانی، علی (۱۳۹۷) عواقب سیاست‌های مداخله‌ای در بازار ارز، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۴۸۶
- طیبیان محمد و سوری داوود (۱۳۷۵). ریشه های تورم در اقتصاد ایران، اثر نرخ ارز و متغیرهای پایه ای اقتصاد بر نرخ تورم.
- کازرونی سیدعلیرضا؛ اصغری برات. (۱۳۸۱). آزمون مدل کلاسیک تورم در ایران: روش همگرایی.